



نامه یک مهاجر افغان در ایران به دخترش:

تو و امثال قربانی آپارتاید ملیتی هستی



یک مهاجر افغان در ایران پس از آن که موفق به شامل کردن دختر خردسالش به مکتبی در شهر مشهد نشد، در نامه‌ای نگاشته است که دخترش و امثال وی در ایران قربانی آپارتاید ملیتی شده‌اند. او در این نامه نوشته است که همراه با همسرش، پس از حدود یک ماه تلاش موفق نشده‌اند تا دختر هفت‌ساله‌شان را در صنف اول مکاتب شهر مشهد ثبت‌نام کنند. در نامه این مهاجر افغانستان آمده است که دختران افغانستان از صنف ششم به بالا قربانی آپارتاید جنسیتی شده‌اند، اما کودکان مهاجر افغان قربانی آپارتاید ملیتی و تبعیض هستند.

۵

طالبان در آستان آستانه



۶

کابوس بی‌وطنی؛

پناهجویان افغانستان و بی‌نوایی در ملک همسایه



پس از تسلط طالبان بر افغانستان، هزاران شهروند کشور از ترس بازداشت و بازجویی طالبان و آینده نامبهم، به کشورهای ایران و پاکستان پناه برده‌اند. این پناهنده‌گان در کشورهای همسایه در وضعیت بسیار دشوار و رقت‌بار به سر می‌برند. علاوه بر ممنوعیت‌های آموزشی و شغلی، با خطر اخراج اجباری و زندانی شدن بدون ارتکاب خلاف در این دو کشور، روبه‌رویند.

۳

محتسبان امر به معروف طالبان در تخار یک نوعروس و آرایشگر را بازداشت کردند

طالبان تا کنون در مورد بازداشت این آرایشگر و عروس چیزی نگفته‌اند. منابع می‌گویند که این آرایشگر با کمک پسرش که در گذشته عضو طالبان بوده و وکیل گذر منطقه بازداشت شده است. طالبان افزون بر بازداشت شکریه و عروس، دو پسر وی را نیز دستگیر کرده‌اند. چهارراهی مخابرات یکی از محلات در شهر تالقان است که چند آرایشگاه در آن فعالیت می‌کنند.

صبح، تخار: یک منبع محلی در ولایت تخار می‌گوید که محتسبان اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان یک عروس و آرایشگر را در مرکز این ولایت بازداشت کرده‌اند. طالبان روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، شکریه، آرایشگر و یک عروس که مشتری او بوده را از آرایشگاهش در نزدیکی چهارراهی کوچی مخابرات از مربوطات شهر تالقان با خود برده‌اند. شکریه و مشتری‌اش به دلیل آرایش کردن بازداشت



۵
صبح

روایت یک عمر رنج؛ دختری که قربانی عشق برادر شد

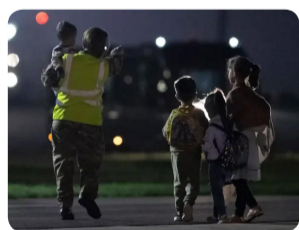


۶
صبح

سرمایه‌گذاری‌های چین در سیاه‌چاله؛ آیا پکن گره به باد می‌زند؟



شورای پناهنده‌گان بریتانیا: دولت بریتانیا در انتقال افغان‌ها ناکام مانده است



صبح، کابل: شورای پناهنده‌گان بریتانیا گفته است که دولت این کشور در خصوص انتقال افغان‌هایی که با نیروهای بریتانیایی کار می‌کردند، ناکام مانده است. شورای پناهنده‌گان بریتانیا روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، با نشر گزارشی گفته است که به دلیل ناکامی دولت، افغان‌ها مجبور به گذشتن از همه مسیرهای ناامن برای رسیدن به این کشور شده‌اند. به گفته این نهاد، در حالی که بر اساس طرح دولتی به پنج هزار تن وعده انتقال به بریتانیا داده شده بود، اما در روزهای اخیر تنها ۵۴ شهروند افغان به این کشور انتقال داده شده‌اند. این شورا از دولت بریتانیا خواسته است تا همه پناهنده‌گان افغان را برای یافتن مسکن دائمی قبل از ترک محل اقامت خود در هتل‌ها مورد حمایت قرار دهد. این در حالی است که پیش از این گزارش‌هایی مبنی بر بی‌خانمان شدن پناهجویان تازه وارد افغان به بریتانیا نشر شده بود. با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، شمار زیادی از شهروندان کشور به کشورهای اروپایی پناه بردند.

کمیته بین‌المللی حفاظت از خبرنگاران: طالبان باید سرکوب بی‌امان رسانه‌ها را متوقف کنند



صبح، کابل: در پی مسدودیت رادیو - تلویزیون محلی همیشه بهار در ننگرهار از سوی طالبان، کمیته بین‌المللی حفاظت از خبرنگاران گفته است که این گروه باید به سرکوب رسانه‌ها پایان دهد. این کمیته روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، با نشر بیانیه‌ای از طالبان خواسته است که هرچه سریع‌تر به رادیو - تلویزیون خصوصی همیشه بهار اجازه دهند تا به کار خود ادامه دهد. به لیبی، هماهنگ کننده برنامه آسیایی این کمیته گفته است: «طالبان باید به رادیو - تلویزیون همیشه بهار اجازه دهند تا فعالیت خود را از سر بگیرد و اطمینان حاصل کند که کارمندان از جمله خبرنگاران زن، اجازه دسترسی نامحدود به آموزش‌های حرفه‌ای را دارند.» این نهاد افزوده است، این که طالبان به دلیل اشتراک زنان در یک جلسه آموزشی روزنامه‌نگاری یک رسانه را بستند، «وحشتناک» است. رادیو - تلویزیون محلی همیشه بهار در ننگرهار ۳۵ کارمند داشت که از میان ۹ تن زن بودند. طالبان تا کنون در مورد مهرولاک درب این رسانه در ننگرهار چیزی نگفته‌اند. طالبان چهار روز پیش با هجوم بر دفتر رادیو - تلویزیون همیشه بهار کارمندان را اخراج و دریش را مهرولاک کردند.

صبح، کابل: در پی مسدودیت رادیو - تلویزیون محلی همیشه بهار در ننگرهار از سوی طالبان، کمیته بین‌المللی حفاظت از خبرنگاران گفته است که این گروه باید به سرکوب رسانه‌ها پایان دهد. این کمیته روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، با نشر بیانیه‌ای از طالبان خواسته است که هرچه سریع‌تر به رادیو - تلویزیون خصوصی همیشه بهار اجازه دهند تا به کار خود ادامه دهد. به لیبی، هماهنگ کننده برنامه آسیایی این کمیته گفته است: «طالبان باید به رادیو - تلویزیون همیشه بهار اجازه دهند تا فعالیت خود را از سر بگیرد و اطمینان حاصل کند



اسماعیلیان افغانستان

در روزهای اخیر ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی پخش شده که طالبان را در حال واداشتن شماری از مسلمانان اسماعیلی به گفتن کلمه شهادت برای سنی شدن نشان می‌دهد، گویا آن‌ها تا اکنون مسلمان نبوده و باید از نو وارد دایره اسلام شوند. این رویداد زنگ خطری را برای بسیاری از ناظران به صدا درآورده و بر میزان نگرانی‌هایی که مردم افغانستان دارند، افزوده است. آزادی انتخاب مذهب و عقیده از حقوق اساسی هر انسان است و دستگاه حاکم باید در این زمینه بی‌طرف بماند. گروه طالبان به بی‌طرفی در امور دینی و مذهبی باور ندارد و به شکل سیستماتیک در پی حذف تنوع و تکثر از افغانستان است. دامنه حذف در تفکر طالبان گسترده است و حوزه‌هایی از قبیل مذهب، دین، تبار، زبان و گرایش سیاسی را شامل می‌شود. رویداد یادشده در بدخشان نشان داد که هر کس مطابق اعتقادات طالبان نباشد، از دایره اسلام خارج دانسته می‌شود و برای پذیرفته شدن باید از نو کلمه بگوید و تجدید ایمان کند، به شمول کسانی که از هزار سال به این سو بخشی مهم از جامعه مسلمانان بوده‌اند.

مذهب اسماعیلی یکی از مذاهب سابقه‌دار در تاریخ اسلام است و اسماعیلیان در افغانستان تاریخی دراز دارند، نزدیک به هزار سال یا اندکی بیشتر. حکیم ناصر خسرو، شاعر برجسته و دانشمند بزرگ زمانه خود، یکی از چهره‌های نامور اسماعیلیان افغانستان است. در سده‌های چهارم و پنجم هجری، اسماعیلیان بخشی از نیروهای اثرگذار سیاسی و اجتماعی بودند، از عصر سامانیان تا غزنویان، غوریان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان. همچنان در بخش‌های دیگر جهان اسلام، یکی از امپراتوری‌های بزرگ مسلمان را تشکیل داده بودند که از شمال افریقا تا شام و حجاز گسترده بود. تنها با حملات گسترده نیروهای چنگیز خان مغول بود که معادلات تغییر کرد و دوره افول سیاسی پیروان مذهب اسماعیلی در این منطقه آغاز یافت.

امروزه به لحاظ شمار نفوس، اسماعیلیان در افغانستان اقلیت به شمار می‌روند و اقلیت‌ها در اکثر جوامع دنیا با آسیب‌پذیری‌های بیشتر مواجه‌اند و از این رو در نظام‌های دموکراتیک تدابیری سنجیده می‌شود که حمایت از اقلیت‌ها و جلوگیری از تبعیض در حق آنان را در دستور کار خود قرار دهد. یکی از تدابیر این است که مفهوم اقلیت و اکثریت بار سیاسی و حقوقی خود را از دست بدهد و به جای آن مفهوم شهروندی برجسته گردد؛ زیرا اکثریت بودن یک گروه انسانی فضیلت خاصی به شمار نمی‌رود که مبنایی برای امتیازات خاص حقوقی باشد، همچنان که اقلیت بودن عیبی نیست تا به آن بهانه کسی از حقوق اساسی خود محروم گردد. در کشورهای که تنوع قومی، تباری، زبانی و مذهبی دارند، باید بحث اقلیت و اکثریت برای همیشه کنار گذاشته شود و تنها بر مفهوم شهروندی تاکید صورت بگیرد.

در سایه سلطه کنونی در افغانستان، همه کسانی که افکار و دیدگاه‌هایشان با طالبان متفاوت است، حتی اگر سنی باشند و با طالبان مشترکات فراوانی داشته باشند، مانند سلفی‌ها و اخوانی‌ها، زیر فشار قرار دارند و بسیاری‌شان به خارج از کشور گریخته‌اند، چه رسد به شیعیان اثناعشری یا اسماعیلیان، که مسلمانی‌شان از نظر طالبان زیر سوال است. معلوم است که مسلمانان لیبرال، کسانی که طالبان به آنان سکولار می‌گویند، با پیروان دین‌های دیگر مانند هندوها و سیک‌های افغانستان، چه حال و روزی دارند. بهاییان و مسیحیان که حتی نمی‌توانند وجود خود را ابراز کنند. افغانستان دیگر خانه امنی برای هیچ کس، جز هواداران طالبان، نیست و به همان علت میلیون‌ها تن در پی ترک این کشور و فرار به سرزمین‌های دیگرند.

وست ایالات متحده از سیاست تعامل با طالبان در مورد مسایل مهم حمایت می‌کند



۸ صبح، کابل: پس از اظهارات پرواکنش رینا امیری، نماینده ویژه امریکا برای زنان افغانستان در مورد تعامل با طالبان، به‌تازگی توماس وست نیز از این رویکرد پشتیبانی کرده است.

نماینده ویژه امریکا روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، در رشته توییت‌هایی نکات کلیدی از مصاحبه‌اش با بخش پشتوی بی‌بی‌سی را منتشر کرده که در آن حمایت امریکا از سیاست تعامل با گروه طالبان تذکر رفته است.

وست در یک توییتش گفته است: «ایالات متحده از سیاست تعامل با طالبان در مورد مسایل مهم به‌شمول اقتصاد، نگرانی‌های جدی در مورد حقوق

بشر، تعهدات امنیتی، تلاش‌ها برای جلوگیری از [کاشت و قاچاق مواد مخدر] و گفت‌وگوی بین‌افغانی در مورد آینده کشور حمایت می‌کند.» این دیپلمات امریکایی بر آموزش زنان و دختران تاکید کرده و گفته است که اگر تغییری در رویکردها در این زمینه به میان آید، به‌دلیل خواست مردم افغانستان و نه به درخواست «خارجی‌ها» خواهد بود.

نماینده امریکا از کارکرد طالبان در زمینه آنچه وی کاهش حملات تروریستی می‌خواند ستایش کرده است.

در همین حال، وی با بیان این‌که امریکا طی دو سال گذشته نزدیک به دو میلیارد دالر به افغانستان کمک کرده می‌گوید: «پالیسی‌های طالبان فعالیت سازمان‌های کمک‌رسان را خیلی دشوار می‌سازد.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که پیش از این گفته‌های رینا امیری، نماینده ویژه امریکا برای زنان افغانستان درباره تعامل با طالبان با واکنش‌های زیادی همراه شد.

گفتنی است که در کل گفت‌وگوی نماینده‌گان امریکا با هیأت طالبان در دوحه به موجی از نگرانی‌ها و انتقادات از سیاست‌های واشنگتن در قبال این گروه دامن زده است.

سفر مقام‌های ارشد طالبان به ننگرهار؛ رسانه‌ها اجازه پوشش نشست‌ها را نیافتند



۸ صبح، ننگرهار: نورمحمد حنیف، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در ننگرهار تایید کرده که وزیران دفاع، داخله، قاضی‌القضات و رییس عمومی استخبارات این گروه در یک سفر از پیش اعلام نشده به ننگرهار رفته‌اند.

ملا محمد یعقوب، سراج‌الدین حقانی، شیخ عبدالحکیم حقانی و عبدالحق وثیق روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، به جلال‌آباد سفر کرده‌اند.

هرچند هدف این سفر به‌گونه دقیق مشخص نشده، اما گفته می‌شود که بررسی اوضاع امنیتی در این ولایت و بازدید از نقاط مرزی با پاکستان یکی از اهداف این سفر باشد.

در نشست‌های این هیأت با مقام‌ها و باشندگان ننگرهار به رسانه‌ها و خبرنگاران اجازه پوشش داده نشد.

در همین این حال، مقام‌های محلی طالبان در مورد این سفر جزئیات زیادی ارایه نکرده‌اند.

یک منبع که نخواست از وی نام برده شود، به روزنامه ۸ صبح گفت که این هیأت با مسوولان امنیتی ولسوالی‌های این ولایت به‌ویژه مدیران استخبارات دیدارهای سری کرده است.

ننگرهار به‌دلیل هم‌مرز بودنش با پاکستان

اهمیت زیادی دارد، به‌ویژه این‌که این ولایت یکی مکان‌های بودوباش تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) دانسته می‌شود.

پیشتر این چهار مقام بلندپایه طالبان به ولایت هرات نیز رفته و در آن سفر وضعیت امنیتی هرات را بررسی کردند.

سفر این هیأت طالبان به ننگرهار پس از اظهارات مقام‌های پاکستانی در زمینه استفاده تی‌تی‌پی از خاک افغانستان انجام می‌شود.

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، روز گذشته گفت که تروریستان در خاک افغانستان زنده‌گی و از آنجا به پاکستان حمله می‌کنند. اظهاراتی که طالبان آن را به زبان دو کشور عنوان کردند.

سازمان جهانی غذا به حدود یک هزار خانواده در هرات کمک توزیع کرد



۸ صبح، هرات: مقام‌های محلی طالبان در هرات از توزیع کمک به ۹۶۵ خانواده در این ولایت خبر داده‌اند.

ریاست احیا و انکشاف دهات طالبان در هرات روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، می‌گوید که به ۹۶۵ خانواده نیازمند در ولسوالی چشت شریف از سوی سازمان جهانی غذا کمک توزیع شده است.

این کمک‌ها شامل آرد، روغن، لپه، نمک و غذایی مقوی برای اطفال و خانم‌های حامله و شیرده بوده است.

در همین حال، ریاست مبارزه با حوادث طبیعی طالبان در بادغیس از توزیع پول نقد برای ۸۹ تن گارگر در ولسوالی آب‌کمری این ولایت از سوی

موسسه DRC خبر داده و گفته است که به هر نفر مبلغ ۱۰ هزار و ۴۰۰ افغانی پول نقد توزیع شده است.

این پول در پدل کار برای این افراد توزیع شده است که قبلاً یک جوی که توسط سیلاب تخریب شده، کار کرده بودند.

پس از تسلط طالبان فقر به‌گونه بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است و موسسات و نهادهای امداد رسان کمک‌هایشان را افزایش داده‌اند.

عبداللهیان به زرداری: هرگونه تحول در افغانستان قبل از هرجای دیگری بر همسایه‌گان تاثیر دارد

۸ صبح، کابل: امیر عبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران در دیدار با وزیر خارجه پاکستان گفته است که هرگونه تحول در افغانستان قبل از هرجای دیگری بر همسایه‌گان این کشور، به‌ویژه ایران و پاکستان تاثیر دارد.

وزارت خارجه ایران روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، از برگزاری یک نشست خبری مشترک میان عبداللهیان و بلاول بوتو زرداری، وزیر خارجه پاکستان در اسلام‌آباد خبر داده است.

عبداللهیان افزوده که موضوع افغانستان در دستور کار جدی مذاکرات دو طرف قرار داشته است.

او تصریح کرده است: «ما چهارچوب ابتکارات منطقه‌ای را بهترین روش برای کمک به حل‌وفصل وضعیت در افغانستان می‌دانیم. ما حمایت از مردم افغانستان را تحت هر شرایطی وظیفه دینی و انسانی خود می‌دانیم.»

در همین حال، زرداری نیز گفته است که اسلام‌آباد و تهران علاقه‌مند صلح و ثبات در افغانستان هستند.

او افزوده است: «ما خواهان ارتقای وضعیت معیشت و رفاه برادران و خواهران افغان خودمان هستیم.»

گفتنی است که دو طرف سند برنامه راهبردی همکاری‌های تجاری پنج ساله میان دو کشور برای سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۸ را نیز امضا کردند.

وزیر خارجه ایران عصر روز گذشته رهسپار پاکستان شده بود.



طالبان: از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری استفاده نمی‌شود

۸ صبح، کابل: همزمان با اظهارات اخیر مقام‌های پاکستانی در رابطه به استفاده از خاک افغانستان علیه آن کشور، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان این موضوع را رد کرده و آن را بی‌اساس خوانده است.

مجاهد روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، با نشر توییتی نوشته است که طالبان به کسی اجازه نمی‌دهند تا از خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر استفاده کنند.

وی از پاکستان خواسته است تا به‌جای اتهام وارد کردن شواهد را در اختیار این گروه قرار دهد.

او افزوده است: «طرح این چنین ادعاهایی به نفع هیچ کشور و ملت نیست.»

این در حالی است که حنا ربانی کهر، معاون وزیر خارجه پاکستان روز گذشته شماری از شهروندان افغانستان را به دست داشتن در نامی‌های آن کشور متهم کرده و گفته بود که آنان مدارکی را در این خصوص به طالبان افغان شریک کرده‌اند.

به گفته او، در برخی حمله‌ها حتی کسانی دست داشتند که با ویزای صحتی به پاکستان رفته‌اند.

همچنان، بلاول بونو زرداری، وزیر خارجه پاکستان نیز به طالبان هشدار داد که اگر علیه گروه‌های تروریستی اقدام نکنند اسلام‌آباد تحت قوانین بین‌المللی اقدام کرده و از خود دفاع خواهد کرد.

پناهجویان افغانستان و بی‌نوایی در ملک همسایه



امین کاوه

پناهجویان افغانستان در پاکستان و ایران در وضعیت دشوار به سر می‌برند. ممنوعیت از کار و تحصیل، بازداشت، زندانی شدن و اخراج اجباری، کام‌آواره‌گان افغانستان را در

این دو کشور، تلخ ساخته است. هزاران شهروند افغانستان که پس از تسلط طالبان به این دو کشور رفته‌اند، افزون بر رنج و اندوه بی‌وطنی، با مشکلات گسترده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مقام‌های امنیتی ایران و پاکستان پس از هر تنش لفظی با طالبان و افزایش ناامنی، فشار بر مهاجران را گسترش داده‌اند. مهاجران افغانستان می‌گویند که سربازان این دو کشور خلاف حسن هم‌جواری، اصول پذیرفته‌شده بشری، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی با آنان رفتار می‌کنند. در تازه‌ترین مورد پولیس اسلام‌آباد شب‌هنگام به خانه‌های مهاجران هجوم برده، علاوه بر تلاشی و بازداشت افراد دارای اسناد قانونی، پول نقد و برخی اشیای آنان را نیز گرفته‌اند. مهاجران افغان در ایران نیز وضعیت مشابهی دارند. وزارت داخله و سازمان مهاجرت این کشور، محدودیت‌های آموزشی، تحصیلی و شغلی گسترده وضع کرده‌اند. منابع در ایران می‌گویند که حدود نیمی از شهروندان افغانستان در این کشور از حق تحصیل و آموزش محروم شده‌اند.

پس از تسلط طالبان بر افغانستان، هزاران شهروند کشور از ترس بازداشت و بازجویی طالبان و آینده نامبهم، به کشورهای ایران و پاکستان پناه برده‌اند. این پناهنده‌گان در کشورهای همسایه در وضعیت بسیار دشوار و رقت‌بار به سر می‌برند. علاوه بر ممنوعیت‌های آموزشی و شغلی، با خطر اخراج اجباری و زندانی شدن بدون ارتکاب خلاف در این دو کشور، روبه‌رویند.

پاکستان و بازداشت ادامه‌دار پناهجویان

در تازه‌ترین مورد پولیس اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، شب‌هنگام در منطقه «F-17» به خانه‌های پناهجویان افغان هجوم برده و ده‌ها تن از آن‌ها را که با مدارک قانونی زنده‌گی می‌کردند، بازداشت کرده است. این بازداشت‌شده‌گان، رفتار پولیس پاکستان را خلاف ارزش‌های «اسلامی و انسانی» توصیف کرده‌اند. به گفته آنان، بازرسی حق قانونی پولیس است و آنان به قانون و ارزش‌های پاکستان احترام دارند و از دولت این کشور نیز می‌خواهند که مطابق اصول بشردوستانه و کرامت و مصونیت انسانی با آن‌ها رفتار کند.

این پناهجویان در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که پولیس پاکستان خلاف تمام «اصول اسلامی و انسانی» نیمه‌های شب به خانه‌های آنان هجوم برده و با «وحشت تمام» داخل خانه‌هایشان شده است. به گفته آنان، پولیس این کشور در جریان بازداشت هیچ نوع اسناد قانونی از آن‌ها مطالبه نکرده و نیز حریم خصوصی‌شان را نقض کرده است. این پناهجویان تصریح می‌کنند که پولیس اسلام‌آباد بکس‌ها، تشناب‌ها، الماری‌ها، یخچال‌ها و خصوصی‌ترین ابزارها و وسایل را بازرسی کرده و پول‌های نقد آنان را با خود برده است. آنان می‌گویند که کودکان و زنان از رفتار پولیس شوک دیده‌اند و شب تا صبح در منطقه‌شان گریه حکم‌فرما بوده است.

نوریه، یکی از هزاران پناهجویی است که برای رسیدن به یکی از کشورهای غربی، به



پس از تسلط طالبان بر افغانستان، هزاران شهروند کشور از ترس بازداشت و بازجویی طالبان و آینده نامبهم، به کشورهای ایران و پاکستان پناه برده‌اند. این پناهنده‌گان در کشورهای همسایه در وضعیت بسیار دشوار و رقت‌بار به سر می‌برند. علاوه بر ممنوعیت‌های آموزشی و شغلی، با خطر اخراج اجباری و زندانی شدن بدون ارتکاب خلاف در این دو کشور، روبه‌رویند.

پاکستان رفته است. او رفتار پولیس اسلام‌آباد را «وحشت‌ناک و دزدی» توصیف می‌کند. نوریه می‌گوید: «برادرم خواب بود، کسی با شدت دروازه را با لگد زد. دروازه را باز کردم. ترسیده بودم. دروازه را می‌خواستیم ببندم که دروازه را به رویم زدند و داخل شدند. کالای نظامی بر تن نداشتند. بسیار ترسیده بودم، فکر می‌کردم دزد هستند. چهار نفر داخل شدند، برادرم را گرفتند و پاسپورت پسران نکردند. الماری را بازکردند، بکس‌ها را باز کردند، تمام چیز را زیرورو کردند. یکی‌شان پول‌هایم را از داخل الماری و زیر دوشک، گرفت و در جیب خود انداخت. هفت هزار کلدار بود. می‌خواست مبالغه را بگیرد، مقاومت کردم. وحشت‌ناک بود و تا حال شوک از سرم دور نشده است.»

با این حال، شهرام (مستعار) که توسط پولیس اسلام‌آباد بازداشت شده بود، پس از رهایی می‌گوید که رفتار نیروهای امنیتی این کشور، خلاف تمام اصول و ارزش‌های انسانی بوده است. او می‌افزاید که پولیس در آن شب حریم خصوصی و کرامت انسانی‌اش را نقض کرده است. به گفته او، پولیس بدون مطالبه اسناد قانونی، داخل خانه‌ای شده که زنان و کودکان خواب بودند.

آقای شهرام می‌گوید: «ساعت‌های ۱۲:۳۰ شب بود. مصروف تلفن بودم که یک نفر بدون تک‌تک دروازه را با شدت زد و داخل شد. با زبان اردو برایم گفت بلند شو! بلند شو! یک بار رویم را گردانم، از یختم گرفت و به طرف دروازه کش کرد. یکی‌اش به اتاقی رفت که خانم‌ها و کودکان خواب بودند. برق را روشن کرد و داخل خانه‌ای دیگر شد. از آن‌ها خواهش کردم که ویژه و پاسپورتم را بگیرم و

لباس‌هایم را بپوشم، چون لباسم مناسب نبود. در همین کش‌وگیر پاسپورت و ویژه خود را گرفتم و کشان‌کشان، از خانه بیرونم کرد.»

او می‌افزاید که پولیس این کشور حریم خصوصی آنان را رعایت نکرده و داخل اتاق خواب خانم‌ها شده است. شهرام می‌گوید: «وقت ویژه و پاسپورتم را نشان دادم، هیچ توجه نکرد و مرا به سمت موتر تپله کرد. شب را در حوزه پولیس بودیم و صبح پولیس‌ها آمدند و اسناد ما را دیدند و بدون ارایه هیچ نوع دلیل، دوباره آزادمان کردند.» او تأکید می‌کند که پولیس باید اسناد آنان را بررسی می‌کرد، چون پولیس متضمن نظم و قانون در هر جامعه‌ای است. شهرام خاطرنشان می‌سازد که با رفتار پولیس این کشور، اندوهی عمیق بر دلش نشسته است و اکنون رنج بی‌وطنی و غربت برشانه‌هایش سنگینی می‌کند.

پناهجویان افغانستان در اسلام‌آباد می‌گویند که آنان از میزبانی چهاردهه این کشور از مهاجران کشور، ابراز قدردانی می‌کنند و از پاکستان می‌خواهند که با رعایت اصول اسلامی، حسن هم‌جواری و مفاد کنوانسیون‌های حقوق بشری با آنان رفتار کند. این پناهنده‌گان تأکید می‌ورزند که طرف‌دار ثبات، نظم و تأمین امنیت در پاکستان هستند و از این کشور انتظار دارند که کرامت و مصونیت انسانی مهاجران را در نظر بگیرند.

مهاجران افغانستان در ایران؛ ممنوعیت شغلی و محرومیت آموزشی

وضعیت مهاجران افغانستان در ایران نیز دشوار توصیف می‌شود. این کشور با دستور تازه‌ای محدودیت‌های شغلی گسترده‌ای را بر پناهنده‌گان در شهرهای مختلف وضع کرده است. براساس این دستور، مهاجران افغان از فروشنده‌گی در فروشگاه‌ها، دکان‌داری و کارهای اداری در شرکت‌های خصوصی منع شده‌اند.

وزارت داخله ایران دستور داده است که اقامت، اسکان و اشتغال شهروندان افغانستان در بیشتر مناطق این کشور از جمله در کرمان‌شاه، ممنوع شده است. در این دستور گفته شده است که کارفرمایان ایرانی که کارگران افغان را به کار گیرند، جریمه خواهند شد.

همچنان در نوارهای تصویری که در رسانه‌های ایرانی منتشر شده، آمده است که در شماری از شهرهای ایران، مسوولان این کشور دکان‌های شهروندان افغانستان را مهرولاک کرده و اجازه کار را از آن‌ها گرفته‌اند. بربنیاد دستور جدید این کشور، تمام شهروندان افغانستان که در ایران

با داشتن اسناد قانونی یا بدون اسناد زنده‌گی می‌کنند، از شاگردی در دکان‌ها و فروشنده‌گی در فروشگاه‌ها منع شده‌اند.

شماری از شهروندان افغانستان که پس از سقوط کشور به دست طالبان به ایران رفته‌اند، می‌گویند که پس از تنش‌های لفظی طالبان و مقام‌های ایرانی، برخی از کارفرمایان آنان از دادن حقوق کارشان نیز سر باز می‌زنند و هشدار می‌دهند در صورتی که کارگران مطالبه حقوق کنند، آنان را به پولیس می‌سپارند.

شمس‌الدین (مستعار) که از هویت خود نگرانی دارد، می‌گوید: «وضعیت هر چه بگویی، دشوار است. به افغانستان از ترس طالب رفته نمی‌توانم، در این‌جا از ترس پولیس و صاحب کار، گپ زده نمی‌توانم. بیرون بروم پولیس می‌گیرد، سر کار باشم صاحب کار حق نمی‌دهد. وقتی درخواست حقوق می‌کنم، می‌گوید تو را به دست پولیس تسلیم می‌کنم که رد مرز کند. واقعا در وضعیت مصیبت‌باری زنده‌گی می‌کنم.» او تأکید می‌کند باوجود این‌که شهروندان کشور در ایران تنها اجازه دارند در کارهای شاقه، مرغ‌داری، کارگری ساختمان و سایر شغل‌های «خشرونه» کار کنند، با آن هم، کارفرمایان ایرانی در بیشتر مواقع، حقوق‌شان را پرداخت نمی‌کنند.

مهاجران افغانستان در ایران، تنها با ممنوعیت کار و اخراج اجباری مواجه نیستند. شماری از آن‌ها که سالیان متمادی در این کشور زنده‌گی کرده و در راستای آبادانی و تقویت اقتصادی ایران نقش داشته‌اند، علاوه بر بسته شدن دکان‌هایشان، فرزندان آن‌ها نیز از حق آموزش و تحصیل محروم شده‌اند. براساس گزارش‌های رسمی رسانه‌های ایرانی، با اعمال ممنوعیت‌های جدید این کشور، هزاران شیفته آموزش و تحصیل در این کشور، از رفتن به مکتب و دانشگاه باز می‌مانند.

سازمان ملی مهاجرت ایران، با صدور نامه‌ای گفته است که ثبت نام دانش‌آموزان اتباع و مهاجران خارجی در سال تحصیلی ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، مطابق «شناسه یکتا و ده رقمی» که در کارت مهاجرین هست، می‌توانند حق آموزش و تحصیل داشته باشند. براساس این دستور کسانی که با اسناد قانونی در این کشور زنده‌گی می‌کنند، نیز از حق آموزش و تحصیل محروم می‌شوند. یکی از شهروندان کشور در ایران که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که با اعمال این محدودیت حدود نیمی از دانش‌آموزان و دانشجویان افغان در این کشور از حق تحصیل و آموزش محروم شده‌اند.

این در حالی است که به گفته وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان طالبان، تنها در جریان یک ماه گذشته، بیشتر از ۱۴ هزار نفر از ایران اخراج شده‌اند. گفته می‌شود که آمار دقیق از تعداد مهاجران افغانستان در ایران مشخص نیست، اما مقام‌های امنیتی این کشور بارها گفته‌اند که میلیون‌ها افغان در این کشور زنده‌گی می‌کنند.

از سوی دیگر، پاکستان اعلام کرده است که تا پایان سال ۲۰۲۲، این کشور میزبان بیش از ۱.۳ میلیون پناه‌جوی ثبت‌شده بوده است. آمار مهاجرانی که پس از بازگشت طالبان به قدرت به این کشور رفته‌اند، به‌گونه دقیق معلوم نیست، اما پیش از این برخی از مقام‌های این کشور گفته‌اند که بیشتر از ۶۰۰ هزار تن از ۲۴ اسد سال ۱۴۰۰ به این طرف به پاکستان رفته‌اند.

با این حال، سازمان ملل متحد با نشر گزارشی گفته است که ایران و پاکستان میزبان بیش از ۹.۲ میلیون شهروند افغانستان با وضعیت‌های مختلف هستند. براساس این گزارش، حدود ۲.۳ میلیون پناه‌جوی ثبت‌شده و میلیون‌ها تن دیگر بدون ثبت در دفاتر سازمان ملل در این دو کشور زنده‌گی می‌کنند. به گفته سازمان ملل، بسیاری از آن‌ها افغانستان را به دلایل ناامنی، بی‌ثباتی و فقر شدید ترک کرده‌اند.

امارت راهزنان و کشوری که پاتک شده است

سخنان تازه تام ویست، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان، حکایت از آن دارد که دادوگرفت امریکا با طالبان ادامه خواهد داشت. اما این دادوگرفت مقطعی و پروژهای است. امریکا از ویژهگی رهنانه طالبان آگاه است و می‌کوشد از آن برای حفظ منافعش در منطقه بهره بگیرد. رهنان و پاتکداران دوست و دشمن دایمی ندارند و هرگاه دولت یا شرکتی امتیازات لازم را در بدل اجازه عبور کالا بپردازد، امنیت اموالش تضمین می‌شود و ممکن است رابطه بسیار «صمیمی» بین دو طرف ایجاد گردد.

صمد پاینده

طالبان در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی در اوج حاکمیت راهزنان و پاتک‌سالاران به میدان سیاست وارد شدند. در آن سال‌ها کالاها و آدم‌ها در داخل افغانستان به حداقل رسیده بود و راه‌ها به هر سوی کشور در اختیار راهزنان بود. انتقال کالا و مسافر پرمخاطره‌ترین کار بود. درعین حال کشور به یک باتلاق ارتباطی در منطقه بدل شده بود، آن هم در شرایطی که تازه اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده بود و چشم دلانان منطقه‌ای و بین‌المللی به مخازن انرژی و بازار آسیای میانه و باقی کشورهای بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی دوخته شده بود. پاکستان از مدعیان اصلی بود و انتظار داشت از سفره جهاد افغانستان لقمه‌هایی کلان‌تر از کابل به دست آورد. دسترسی به انرژی و بازار آسیای میانه برای پاکستان و خیلی کشورهای مدعی بدون امنیت راه‌های افغانستان ممکن نبود. تولید گروه طالب حاصل اجماع تعدادی از آن کشورها برای پاسخ به آن نیاز بود. طالبان قرار بود نقش پولیس راه دلانان و سهم‌داران خارجی را بازی کنند. مطرح شدن نام دو شرکت بزرگ یونیکال و بریداس در مسایل افغانستان، همزمان با قدرت‌گیری طالبان، یکی از نشانه‌های برجسته آن قرار بود. گروه طالبان در برچیدن پاتک‌های محلی موفق بود، اما نقشی را که برایش در تبدیل کردن افغانستان به مسیر مصون ترانزیت کالاها بین‌المللی، به‌خصوص انتقال انرژی از آسیای میانه به پاکستان و از آن طریق به بازار جهانی تعیین شده بود، ادا نتوانست. طالبان که خود بازمانده‌گان و فرزندان جنگ‌جویان جهادی و پاتک‌سالاران بودند، نتوانستند از سنت رهنی عبور کنند، بلکه کشور را به یک پاتک کلان منطقه‌ای بدل کردند و در هم‌دستی با تروریستان بین‌المللی در ظاهر برای حاکمیت شریعت و در واقع به منظور کسب امتیازهای رهنانه، امارت ساختند. در آن امارت کاری جز گرفتن عشر، زکات، مالیات، اخاذی و امتیازگیری از همسایه‌گان، قدرت‌های منطقه و جهان و سازمان‌های بین‌المللی انجام نمی‌دادند. آنان طرف‌های مختلف داخلی و خارجی را تهدید می‌کردند و پول می‌گرفتند، خطر خلق می‌کردند و امتیاز طلب می‌نمودند. گروهان‌گیری ابزار مهم رهنی است. طالبان مثل اسلاف تنظیمی‌شان گروهان‌گیری متفرقه نمی‌کردند، بلکه کل ملت را به بند کشیده بودند و برای شل کردن هر گره از بندهای گوناگون مردم از جهان امتیاز می‌خواستند.

بعد از یازدهم سپتامبر و اتفاقاتی که منجر به سرنگونی امارت اول شد، طالبان به دیپلماسی، سیاست و جنگ معمول روی نیاوردند، بلکه با همان سنت آشنای رهنی دوباره به میدان آمدند. آنان برای جمهوری اسلامی بدیل عرضه نکردند، وارد مبارزات سیاسی و رقابت دموکراتیک نشدند، کتاب نوشتند و برای اقتصاد، تعلیم و فرهنگ برنامه ارایه نکردند تا مردم میان نسخه‌های طالبانی و غیرطالبانی فرصت انتخاب و مقایسه داشته باشند، بلکه به قطع‌الطریقی و استخدام جنایت‌کاران، اختطاف‌چی‌ها، آدم‌کشان و قاچاق‌بران و دزدان روی آوردند. بیشترین تمرکز طالبان بر ناامنی راه‌ها، تخریب جاده‌ها، پلچک‌پرانی، اختطاف و امتیازگیری از تمام طرف‌هایی بود که از این راه‌ها باید سفر می‌کردند یا کالا و نیرو انتقال

می‌دادند. طالبان نخست تعدادی از راه‌ها و به‌تدریج بیشتر راه‌های مواصلاتی داخلی را ناامن کردند و در واقع اداره راه‌ها را در اختیار گرفتند. در سال‌های آخر جمهوری اسلامی، هیچ ولایت و ولسوالی کامل در اختیار طالبان نبود، اما هیچ راه اصلی در کشور از تبریرس آن گروه دور نمانده بود. گروه طالبان امارت راهزن خود را بر راه‌ها برقرار کرده بود. خارجیان، دولت افغانستان، بخش خصوصی و توده مردم همه در راه‌ها به رهنان طالب امتیاز می‌دادند. طالبان عاقبت «پیروز» شدند. اما این پیروزی نه در میدان جنگ، در عرصه اخلاق و نه در سیاست رخ داد، بلکه نتیجه بریدن شاه‌رگ‌های اقتصادی و مواصلاتی کشور و تسلیمی ملت در برابر راهزنان بود. در تمام آن سال‌ها هیچ‌گاه حرکت اعتراضی از میان مردم به حمایت طالبان دیده نشد. هیچ‌گاه ندیدیم که گروهی از جمعیت کشور برای پیروزی طالبان دست به تظاهرات و اعتراضات سیاسی بزنند. زمانی که دولت جمهوری اسلامی زیر بار تروریسم و راهزنی طالبان، بسته شدن راه‌ها و سازش امریکا فروپاشید، بازمه واکنش مردم شکرگزاری و جشن نبود، بلکه بهت و ترس همه‌جا را فراگرفته بود. حتا خود طالبان دچار حیرت و دست‌پاچه‌گی شده بودند.

در دو سال گذشته طالبان نتوانستند بر مهارت راهزنی و میل شدید گروهان‌گیری و امتیازطلبی فایق آیند و اداره‌ای بسازند که حداقل خدمات لازم را به مردم عرضه بتوانند و در نتیجه حاکمیت آن گروه را در کشور تضمین کند. دوباره کشور به پاتکی کلان بدل شده است که در آن گشت‌وگذار محلی مصون است، اما شاهراه‌های منطقه‌ای ناامن شده و آینده بازارها و مواصلات تجاری میان آسیای جنوبی و آسیای میانه، چین و کشورهای مجاور افغانستان با خطر مواجه گشته است. طالبان چشم به کسب امتیاز از حق‌العبور انرژی، کالا و نیز دادوستدهای سیاسی میان قدرت‌های منطقه از طریق افغانستان نه‌نشسته‌اند و تقریباً از همه طرف‌ها مزد می‌گیرند. از همه مزد می‌گیرند و درعین حال برای هم‌دستی با هر طرفی که بیشترین امتیاز را بدهد، علیه یک یا چند کشور دیگر آماده می‌باشند. زنان و اقشار مختلف را در داخل افغانستان گروهان گرفته‌اند و قصد دارند هر گرهی را که به دست‌وپای مردم پیچیده‌اند، به قیمت‌های کلان بفروشند.

امریکا در پی بهره‌گیری از مهارت رهنی طالبان

در دو سال گذشته از تماس و رابطه طالبان با طرف‌های گوناگون خارجی تعبیرهای متفاوت شده است. عده‌ای آن را نشانه پخته‌گی طالبان در حفظ توازن میان بازیگران خوانده‌اند. آنان تصور دارند که طالبان از گذشته آموخته‌اند و اکنون نمی‌خواهند خصومت هیچ یکی از قدرت‌های منطقه و جهان را برانگیزند، بلکه با حفظ تماس و تعامل با چین، روسیه، ایران، پاکستان، امریکا، بریتانیا و دیگران تلاش دارند کشتی امارت خود را در آب توفانی سیاست مصون نگه دارند. عده‌ای طالبان را قراردادی و گروهان سیاسی- استخباراتی امریکا می‌خوانند و به این باورند که تجربه سقوط امارت اول و نقشی که امریکا با توافق‌نامه دوحه در شکست دولت افغانستان بازی کرد، باعث شده که طالبان برای بقای حاکمیت خود به همکاری با امریکا تن بدهند. آنان می‌گویند که طالبان حمایت مالی منظم از

امریکا دریافت می‌کنند و تعهد عدم حمایت آن کشور و هم‌پیمانانش از نیروهای ضدطالبانی را نیز گرفته‌اند تا در بدل، مانع سقوط کشور به دامن چین شوند، گروه‌های تروریستی دارای آجندای بین‌المللی را در داخل افغانستان مشغول نگه داشته و در سرکوب و مهار مهره‌های اصلی آن گروه‌ها با امریکا همکاری کنند و همچنان با تبدیل کردن افغانستان به ذخیره‌گاه گروه‌های افراطی و تروریستی که با دولت‌های همسایه افغانستان به‌خصوص چین، آسیای میانه و ایران سر دشمنی دارند، در برابر توسعه‌طلبی‌های این کشورها مانع ایجاد نمایند. کسانی می‌گویند که شکست نظامی که در آن قانون اساسی وجود داشت، ارزش‌های دموکراتیک تبلیغ می‌شد و چشم‌انداز غیراستبدادی برای آینده سیاسی کشور ترسیم می‌گردید، برای کشورهای منطقه از جمله چین، روسیه و ایران ناکامی امریکا و برگشت افغانستان به روال حاکم سیاسی منطقه بود که در آن دموکراسی، رای مردم و انتخابات بیماری سیاسی خوانده می‌شود و دولت‌ها از سوی ولی فقیه، رییس جمهورهای دایمی، امیران میراثی و رژیم‌های تک‌حزبی اداره می‌شوند. آنان به این باورند که طالبان تلاش دارند روابط خود را با کشورهای منطقه به‌خصوص چین توسعه بخشند و به‌تدریج از زیر نفوذ مالی، سیاسی و استخباراتی امریکا بیرون شوند. سخنان تازه تام ویست، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان، حکایت از آن دارد که دادوگرفت امریکا با طالبان ادامه خواهد داشت. اما این دادوگرفت مقطعی و پروژه‌ای است. امریکا از ویژه‌گی رهنانه طالبان آگاه است و می‌کوشد از آن برای حفظ منافعش در منطقه بهره بگیرد. رهنان و پاتک‌داران دوست و دشمن دایمی ندارند و هرگاه دولت یا شرکتی امتیازات لازم را در بدل اجازه عبور کالا بپردازد، امنیت اموالش تضمین می‌شود و ممکن است رابطه بسیار «صمیمی» بین دو طرف ایجاد گردد. این رابطه به دادوستدهای خونین نیز منجر می‌شود. در واقع رهنان حاضرند در بدل امتیاز بیشتر، به استخدام درآیند و در اخاذی از اموال رقیب، ممانعت از عبور کاروان‌های رقیب و حتا اختطاف و کشتار رقیبان سهم بگیرند.

مصاحبه‌ای که بی‌بی‌سی از تام ویست نشر کرده، با تمجید طالبان شروع می‌شود. در آن مصاحبه نماینده امریکا می‌گوید که طالبان در سرکوب داعش موفق بوده و حملات تروریستی بر مردم افغانستان را مهار کرده‌اند. اما آیا امریکا به خاطر کاهش حملات انتحاری بر مردم افغانستان، آن دو میلیارد دالر پول علنی و کمک‌های دیگر اعلام‌ناشده‌اش را به طالبان داده است؟ از ادامه سخنان تام ویست و پیامی که دیروز، چهارم اگست، در توئیتر نشر کرده، معلوم می‌شود که امریکا حاضر نیست برای تغییر محیط امنیتی، سیاسی و اقتصادی داخل افغانستان نوع رابطه‌اش با طالبان را عیار سازد. آقای ویست در توئیترش گفته است که تغییر در پالیسی‌های طالبان نتیجه «خواست‌های افغان‌ها خواهد بود، نه درخواست‌های خارجی‌ها». با آن که برای حفظ ظاهر، آقای تام ویست به مسایل حقوق بشر، تعلیم زنان و گفت‌وگوی بین‌الافغانی نیز اشاره کرده، اما نکته اصلی پیامش این است که رابطه امریکا و طالبان از نوع امنیتی و استخباراتی است و تغییر پالیسی آن گروه در حقوق بشر، تعلیم، آزادی‌ها و دولت‌داری با درخواست خارجی‌ها تامين نخواهد شد، بلکه خود افغان‌ها باید برای رسیدن

به آن حقوق تلاش ورزند.

چرا خارجیان مسوولند؟

مبارزه با سیاست‌های ضد بشری طالبان ماموریت خود افغان‌هاست. این بخش سخنان تام ویست درست است که نباید چشم‌به‌راه تغییر به درخواست خارجیان باشیم. تجربه گذشته هم ثابت ساخته است که بدون تحول داخلی، حمایت‌های بیرونی باعث تغییر بنیادی نمی‌گردد. اما کشورها و جوامع انسانی در جزایر مجزا و فاقد روابط متقابل زنده‌گی نمی‌کنند تا با گفتن این که تغییر پالیسی نتیجه تلاش و خواست داخلی است، چشم از عوامل بیرونی ببوشیم. ما در دنیایی زنده‌گی می‌کنیم که سرمایه و نفوذ سیاسی قدرت‌های بزرگ بسیار فراتر از مرزهای جغرافیایی ویژه دولت‌ملت‌ها عمل می‌کنند. امریکا اکنون همان طوری که دالرش بازار جهان را تسخیر کرده، زبان و فرهنگش در تاروپود فرهنگ‌ها، اقتصادها و سیاست‌های ملل تنیده است و همان طوری که اردوی آن کشور هرجا لازم دید نیرو می‌فرستد و طیاره‌های بی‌سرنشینش در خیلی از مناطق جهان از جمله در آسمان افغانستان می‌چرخد، اطلاعات جمع‌آوری می‌کند و آدم می‌کشد، به همان پیمان دولت امریکا در ستم‌ها و حق‌کشی‌هایی که در گوشه و کنار جهان و به‌ویژه در مناطق تحت نفوذش انجام می‌شود، مسوول است.

خشم مردم افغانستان از عدم همکاری امریکا در جلوگیری از ستم طالبان، برحق است. درست است که مردم ابزار لازم برای واداشتن ایالات متحده و هم‌پیمانانش در جلوگیری از گروهان‌گیری رهنان طالب در اختیار ندارند و جز نوشتن مقاله، اعتراض و سخنرانی چیزی از دست‌شان برنمی‌آید، اما این ناتوانی افغان‌ها از مسوولیت امریکا در خلق وضعیت کنونی نمی‌کاهد. چگونه دولتی که قرارداد تسلیمی حکومت افغانستان را به یک گروه تروریستی در غیاب نماینده‌گان مردم در دوحه امضا می‌کند و قدرت‌گیری آن گروه را تسهیل می‌کند، انتظار دارد قربانیان آن توافق‌نامه، طالبان را وادار به تغییر پالیسی کنند؟ چطور وقتی تام ویست به کمک مالی دولتش به طالبان اعتراف کرده و می‌گوید که در دو سال گذشته مبلغ دو میلیارد دالر به کشوری در گروهان طالبان ارسال کرده است، انتظار دارد که مردم گرسنه و ستم‌کشیده آن سرزمین مانع سیاست‌های ضد بشری طالبان شوند؟ وقتی امریکا با آن امکانات و قدرتی که دارد مخالفت با طالبان و ایستاده‌گی علیه آن گروه را وتو کرده است، چگونه انتظار دارد سیاست‌های ضد بشری جاری در افغانستان در نتیجه خواسته‌های مردم تغییر یابد، از جمله مکتب‌ها باز شود، قوانین و مقررات غیرطالبانی اعاده گردد و این گروه از شکنجه و آزار مخالفان دست بردارد؟

میله‌های تفنگ طالبان از نیروی دالر امریکا داغ است، شلاق‌های آن گروه از حمایت ایران و پاکستان نیرو می‌گیرد و شکی نیست که تنها با اعلام لفظی عدم حمایت امریکا، کمر طالبان خم نخواهد شد. اگر روزی واشنگتن از ادای نقش متکای امارت طالبان دست بردارد و اعلام نماید که مردم افغانستان هر طوری که خواسته باشند و با هر وسیله و رابطه‌ای که در اختیار دارند می‌توانند این دیوار از روی نان و آزادی خود دور کنند، آنگاه معادله سیاسی در کشور تغییر خواهد کرد.

هر توافق رهنانه شکننده و ناپایدار است. روزی حوصله بازیگران از امتیازطلبی‌های رهنانه طالبان به سر می‌آید و در آینده نه‌چندان دور گروه طالب برای گرفتن امتیازات بیشتر از یکی از طرف‌ها روابطش را با طرف‌های دیگر برهم خواهد زد. ناراضیاتی روزافزون پاکستان و ایران از رابطه با طالبان، حکایت از آن دارد که قراردادی‌های پاتکی حاکم بر افغانستان همین حالا با دیدن بندل‌های دالر امریکا به حامیان منطقه‌ای خود بی‌توجهی نشان می‌دهند. این اتفاق از آغاز قابل پیش‌بینی بود. حاکمان تهران و اسلام‌آباد انتظار داشتند که با رفتن امریکا، لگام طالبان به‌طور کامل در اختیار ولی‌نعمتان منطقه‌ای آن گروه خواهد افتاد؛ اما جهان در برابر پول و تجهیزات قدرت‌های بزرگ بسیار کوچک‌تر از آن شده است که بازیگران منطقه‌ای چون ایران و پاکستان که در مدیریت امور داخلی خود دچار درمانده‌گی‌های تاسف‌بارند، خلوت‌های منطقه‌ای و انحصاری ایجاد کنند. هراس حامیان منطقه‌ای طالب از خنجرکشی طالبان به روی ولی‌نعمتان سابق، واقعی است. خنجرکشی‌های یادشده معادله را تغییر خواهد داد و اما این که در افغانستان نیرویی وجود خواهد داشت تا در معادله تازه از خواسته‌های انسانی و برحق مردم افغانستان، از جمله تعلیم، آزادی و کار نماینده‌گی کند، معلوم نیست. آیا ترقی‌خواهان برای آن روز آماده‌گی می‌گیرند؟



دختری که قربانی عشق برادر شد

بهنیا



نگاه‌هایش صد سخن ناگفته از جفای روزگار دارد. روزگار سیاه یک عمر حال خوش را از او ربوده است. جز پوست و استخوان چیزی در تنش نمانده و قد استوارش به خمیده‌گی گراییده است. صورت بشاش جوانی را به سختی روزگار باخته است. ترک‌های دستانش روایت سال‌ها رنج را بازگو می‌کند. سال‌ها در لای کشت‌زارها، دامداری، آتش داغ تنور و کارهای شاقه دیگر خزیده و تن سوزانده است. فایزه خانم سخت‌کوش و باهمت است. سیاهی روزگار او را سخت‌کوش به بار آورده است. به اندازه ده مرد کارهای طاقت‌فرسا انجام می‌دهد. فرسخ‌ها راه دشوارگذر را پیاده برای به‌دست آوردن دوصد افغانی در روز طی می‌کند. با کلمه آسوده‌گی و رفاه بیگانه است. زمانی که اندکی قد از زمین برافراشت و نشانه‌های نوجوانی بر او نقش بست، خود را به‌شنوان عروس در کنار مردی دید که همسن پدرش بود. نوجوانی‌اش را با خواسته‌های جنسی و لت‌وکوب شوهر پیرش سپری کرد و جوانی‌اش را در راه مراقبت از تنه نیمه‌دم او، در حالی که هیچ چیزی از خانه‌داری و شوهرداری نمی‌دانست، برادرش او را مجبور به ازدواج کرد. او در خانه‌ای عروس شد که دختران و پسران سه زن قبلی شوهرش نسبت به او بزرگ‌تر و یا همسن او بودند. یک عمر زنده‌گی‌اش در مدار درد چرخید و از آن خلاصی نیافت. سال‌ها گذشت و زنده‌گی فایزه رنگ عوض نکرد. بدبخت‌تر شد، اما خوش‌بختی هیچ‌گاهی سراغش را نگرفت.

فایزه خانم ۳۵ ساله با انبار غم و وضع بد اقتصادی در حومه شهر کابل با شوهر مریض و فرزندان زنده‌گی می‌کند. او شش فرزند دارد: سه دختر و سه پسر. روایت زنده‌گی‌اش تلخ و طاقت‌فرساست. زنده‌گی را با غم آغاز و با انبوهی از مشکلات تا این دم رسانده است و آینده‌اش را نیز تیره‌وتار می‌بیند.

زمانی که کودکی بیش نبود، برادرش او را در عوض دختری که دوست داشت به مامای معشوقه‌اش، مردی که همسن پدرش بود به شوهر می‌دهد. فایزه همانند بسیاری از دختران روستایش که در سن سیزده یا چهارده‌ساله‌گی به شوهر داده می‌شدند، تن به ازدواج می‌دهد. بی‌خبر از این که شوهر او مرد کهن‌سال است و دختران روستا نسبت به او خوش‌بخت‌ترند. سازوسرود مجلس عروسی برادرش برپا می‌شود و همه در شادی او شادند، اما فایزه را با یک مراسم ساده بدون دهل و سرنی به خانه شوهرش می‌فرستند. او حتی در روز مراسم عروسی شوهرش را نمی‌بیند و تصور می‌کند با مرد جوان و خوش‌سیمایی عقد کرده است؛ اما با دیدن شوهرش در شب عروسی که مرد بزرگ‌سالی می‌نماید، تازه می‌داند که چرا برادرش به‌خاطر فرستادن او به خانه شوهر عجله داشته است. دیگر خانه شوهر رسیده است، کاری جز اشک ریختن و ترس از دستش برنمی‌آید. راه فراری هم نیست، اگر این کار را کند ابتدا شوهر و بعد برادرش او را «لکه‌نگ» دانسته و به قصد ستاندن جانش او را از اعماق زمین هم که شده پیدا خواهند کرد.

او عروس خانه‌ای شد که شوهرش از سه زن قبلی‌اش فرزندان دختر و پسر زیادی داشت و دختران شوهرش از او بزرگ‌تر و یا همسن وی بودند. به همین دلیل نه‌تنها خدمت‌گزار شوهر شد، بلکه امر و نهی دختران شوهرش

نیز بر او اضافه شد. در حالی که هیچ چیزی از خانه‌داری و شوهرداری نمی‌دانست، تا به خانه شوهر رسیده بود، نان پخته بود، زمین خیشاوه کرده بود، گوسفند چرانده بود، برف جاروب کرده بود و نان همه اعضای خانواده شوهر را آماده کرده بود. همه کار پرمشقت روستا را بر شانه‌های کوچکش گذاشته بودند. در حین نوجوانی و زیبایی زنی شده بود که از شدت کار گونه‌هایش سرخ و ترک برداشته بودند، و دست‌ها لطیفش به سنگ بدل شده بودند. از لباس خوب و پاک خبری نبود. از طلوع بامداد تا غروب شام بیرون از خانه در پی انجام کارهای پرمشقت روستا بود.

چرخ زنده‌گی او را در منجلابی فرو کرده بود که خلاصی از آن جا با تاوان جانش همراه بود. با این که همانند پیش‌خدمت صبح تا شام برای رفاه شوهر و خانواده شوهرش کار می‌کرد، از سوی آنان مورد ضرب و شتم نیز قرار می‌گرفت. شوهرش دست سنگینی داشت و به بهانه‌های مختلف او را به زیر مشت و لگد می‌گرفت، تا می‌توانست می‌زد و فحش‌نثارش می‌کرد. هنوز استخوان‌هایش درد می‌کند، نشانه‌های تازیانه را بر سر و گردنش دارد؛ اما با آن هم از شوهرش که اکنون در بستر مرضی است و توان راه رفتن و ایستادن را ندارد تا پای جان مراقبت می‌کند.

پس از سال‌ها زنده‌گی در روستایی که کارش خزیدن در آتش داغ تنور، بیل زدن در زمین‌های زراعتی، مشت و لگد خوردن و زاییدن بود، به کابل می‌آید؛ شهری که فکر می‌کند پس از سال‌ها دور از دختران شوهرش که همه عروسی کرده‌اند، اندکی آسوده‌خاطر خواهد شد. زنده‌گی نو و خانه‌نوش را این بار در شهر کابل دست‌وپا می‌کند. اما آسوده شدن در تقدیر او نیست. پس از یک سال زنده‌گی در کابل، شوهرش که دیگر پیر و ناتوان شده بود، از دست‌وپا می‌ماند. زبانش بند می‌شود و در بستر مرضی زجر می‌کشد.

بعد آن روز، سنگینی کوله‌بار روزگار بر شانه‌های فایزه دوچند می‌شود. نوجوانی‌هایش را با لت‌وکوب و ناسزا گفتن شوهرش به‌سر می‌کند و جوانی‌هایش را برای مراقبت از او، دو سال است که از شوهر فلجش همانند کودک پرستاری می‌کند: «در طول زنده‌گی روز خوش ندیدم. تا وقتی دست‌وپای داشت مرا لت‌وکوب می‌کرد و حالا که از هر دو مانده مثل یک طفل کثافت‌کاری‌هایش را جمع می‌کنم.» با این که سنی‌اش از گذشته است، اما سختی روزگار کمر او را خمیده و تنش را نیمه‌جان کرده است.

او این روزها نه‌تنها از شوهر مریضش پرستاری می‌کند، بلکه شرایط بد اقتصادی او را و داشته‌اش از صبح تا شام در فارم بادرنگ برای به‌دست‌آوردن دوصد افغانی در روز جان بکند. پس از حاکمیت طالبان و بیکار شدن دو پسر بزرگش، وضعیت اقتصادی آنان همانند بسیاری از مردم با رکود مواجه شده است: «وضعیت اقتصادی ما خیلی خراب است. گاهی حتا نان خشک برای خوردن پیدا نمی‌شود. مجبور هستم کار کنم.» فایزه روزها را در فارم بادرنگ سپری می‌کند و شب‌ها را برای مراقبت از شوهر و رسیدن پشم در خانه‌اش، تا از گرسنه‌گی تلف نشوند. او سه پسر و سه دختر دارد که اکنون همه بزرگ شده‌اند؛ اما آنان نیز هیچ‌گاه دست‌یار خوبی برای مادر رنج‌دیده‌شان نمی‌شوند. سنگینی روزهای بد زنده‌گی‌اش را که برادرش برای او رقم زده است، سال‌هاست که به‌تنهایی بر دوش می‌کشد.

حالش وصف شدنی و روایت روزگار سختش شنیدنی است. او را زن گفته صدایش را خفه کرده‌اند. سال‌ها رنج را بدون بلند کردن صدا تحمل کرده است. از نگاه‌هایش می‌شود همه دردهای او را در طول زنده‌گی خواند و ناآرامی‌های این روزهایش را دید. فایزه بیچاره و درمانده است. نه خانه پدر برای او مکان آرامش‌بخش، نه خانه شوهر و نه فرزندان تکیه‌گاه او شدند. در حالی که از جفای روزگار سخت خسته است، دلش می‌خواهد روی بالشتی سر بگذارد و هیچ‌گاه از آن سر بر ندارد. بارها با خود می‌گوید: «هیچ‌گاهی برادر خود را نمی‌بخشم.»

نامه یک مهاجر افغان در ایران به دخترش:

تو و امثال قربانی آپارتاید ملیتی هستید

۸ صبح، کابل

یک مهاجر افغان در ایران پس از آن که موفق به شامل کردن دختر خردسالش به مکتبی در شهر مشهد نشد، در نامه‌ای نگاشته است که دخترش و امثال وی در ایران قربانی آپارتاید ملیتی شده‌اند. او در این نامه نوشته است که همراه با همسرش، پس از حدود یک ماه تلاش موفق نشده‌اند تا دختر هفت‌ساله‌شان را در صنف اول مکاتب شهر مشهد ثبت‌نام کنند. در نامه این مهاجر افغانستان آمده است که دختران افغانستان از صنف ششم به بالا قربانی آپارتاید جنسیتی شده‌اند، اما کودکان مهاجر افغان قربانی آپارتاید ملیتی و تبعیض هستند.

محمدی مرادی، یکی از مهاجران افغان در شهر مشهد ایران است. مرادی پس از آن که موفق نشد تا دختر هفت‌ساله‌اش را در مکاتب شهر مشهد شامل کند، نامه‌ای به دخترش، ثنا نوشته و آن را روز دوشنبه، ۹ اسد، در صفحه فیس‌بوکش منتشر کرده است. او در این نامه نوشته است که همراه با همسرش، پس از حدود یک ماه تلاش موفق نشده‌اند تا دختر هفت‌ساله‌شان را در صنف اول مکاتب شهر مشهد ثبت نام کنند.

هرچند خانم و دختر مرادی متولد ایران هستند، اما مکاتب مشهد از ثبت نام ثنا خودداری کرده‌اند. در این نامه آمده است: «دختر عزیزم، ثنا جان! یادداشت‌های روزانه امروزم، بیشتر به تو اختصاص دارد. یک ماه از پایان دوره مهد کودک تو گذشت. طی این مدت من و مادرت شبانه‌روزی تلاش کرده‌ایم تا تو را در مدرسه [مکتب] ابتدایی دولتی ثبت نام کنیم، اما هنوز موفق به این کار نشده‌ایم. صبح امروز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۵/۹ برای چندمین بار مادرت به مدارس دولتی، از جمله مدرسه سارا و دبستان [ابتدایی] دخترانه شهید سفیدی سر زد تا شاید تو را در کلاس اول ثبت نام کند، اما تقلا و التماس او فایده‌ای نداشت. با حال منقلب با من تماس گرفت و گفت که دیگر طاقتم طاق شده است و تو یک کاری بکن.»

محمد مرادی اضافه کرده است که پس از تقلا زیاد، به مدیر آموزش و پرورش ناحیه پنجم شهر مشهد نامه نوشت و با استناد به دستور آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ماجرای ثبت نام نشدن دخترش را شرح داد. در نامه او آمده است: «مدیر آموزش و پرورش ناحیه پنجم، پس از مطالعه نامه‌ام، با لحن آرام و محترمانه گفت که من دستور داده‌ام فرزندان مهاجران افغانستانی در مدارس [مکتب] ایرانی تحت پوشش مدیریت من، ثبت‌نام نشوند زیرا فضای آموزشی ما کم است و حق اولویت با ایرانی‌ها است.»

این مهاجر افغان اضافه کرده است: «عزیزم ثنا! نمی‌دانی که من از این سخن تبعیض‌آمیز، چقدر در خود فروربختم و دنیا بر سرم تیره‌وتار شد. در واقع، درد تبعیض، استخوان‌سوز است و تا کسی با تبعیض مواجه نشود، درد آن را احساس نمی‌کند.» او افزوده است: «عزیزم ثنا! در آن لحظه ناگهان تاریخ آپارتاید در ذهنم مثل فیلم عبور کرد و تورا بیرون از کلاس [صنف] و مدرسه تصور کردم که هم‌سن‌وسال‌هایت درس می‌خوانند، اما تو قربانی تبعیض و آپارتاید شده‌ای. سپس وضعیت دختران افغانستان در ذهنم خطور کرد و درد دل پدرانی را که منتظر باز شدن دروازه‌های مدارس هستند، با ذره ذره وجودم احساس کردم.»

مرادی در ادامه نامه‌اش با اشاره به ممنوعیت آموزش دختران در افغانستان گفته است:

مرادی در ادامه نامه‌اش با اشاره به ممنوعیت آموزش دختران در افغانستان گفته است: «البته، عزیزم ثنا! دختران افغانستان از صنف ششم قربانی آپارتاید ملیتی هستید.»

«البته، عزیزم ثنا! دختران افغانستان از صنف ششم قربانی آپارتاید جنسیتی شده‌اند، اما تو و امثال تو از همان ابتدا و در بدو ورود به دبستان (ابتدایی) قربانی آپارتاید ملیتی هستید.» این مهاجر افغانستان در ادامه نوشته است که همسرش پس از آگاه شدن از پاسخ مدیر آموزش و پرورش ناحیه پنجم شهر مشهد از او پرسیده است: «هنوز هم به آرمان‌شهر اسلامی فکر می‌کنی و از این که دین تو به خطر نیفتد، آرمان‌شهر اسلامی را ترک نمی‌کنی؟» او در پاسخ همسرش گفته است: «هنوز به عقاید دینی و مذهبی‌ام پایبندم، اما دیگر مدت‌ها است باورهایم درباره آرمان‌شهر اسلامی درز برداشته است. سپس گفتم که اکنون نه راه پیش و نه راه پس داریم.»

مرادی همچنان خطاب به دخترش نوشته است: «ما پدران معاصر افغانستان، شرمند شما دختران هستیم. دختران داخل افغانستان در شرایطی به دنیا آمدند که زمان، متعلق به آنان نیست و تو ثنا، در سرزمینی به دنیا آمدی که مکان متعلق به تو نیست و این درد مشترکی است که همه‌ی دختران افغانستان را به هم پیوند می‌زند.» وی تصریح کرده است: «آری ثنا عزیزم! ما تاوان اشتباه پدران مان را می‌دهیم که ایران را به مقصد مهاجرت برگزیدند و فرزندان مان قربانی خطایی شدند که ما برای ادامه‌ی حضور در ایران مرتکب شدیم.»

با این حال، محمد مرادی، به دخترش وعده داده است که از هیچ تلاشی برای ثبت نام او در مکتب دریغ نخواهد کرد. او افزوده است: «تو باسواد خواهی شد، اما آینده‌گان این یادداشت را خواهند خواند که روزگاری در آرمان‌شهر اسلامی، تنها آرزوی پدری، حضور دختر هفت‌ساله‌اش به مکتب و آرزوی دختر، رسیدن به ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌اش بوده است.»

گفتنی است که مهاجران افغانستان در ایران همواره از تبعیض گسترده در آن کشور اظهار نگرانی کرده و گفته‌اند که برای ثبت نام کودکان‌شان در مکاتب ایران، در برخی موارد رشوه نیز می‌پردازند. چندی پیش سایت دیده‌بان ایران نیز گزارش داده بود که برخی مکاتب دولتی در این کشور از دانش‌آموزان افغان برای ثبت نام مبالغه «غیرقانونی» دریافت می‌کنند. بر بنیاد این گزارش، مکاتب دولتی ایران از «۵۰۰ هزار تومان تا مبالغه میلیونی» را از این دانش‌آموزان می‌گیرند که «رشوه» محسوب می‌شود و قانونی نیست.

هرچند آمار دقیقی از تعداد دانش‌آموزان مهاجر در آن کشور وجود ندارد، اما سایت دیده‌بان ایران نوشته که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ حدود ۶۷۰ هزار دانش‌آموز مهاجر در آن کشور شناسایی شده‌اند که برابر با ۴.۲ درصد از کل دانش‌آموزان این کشور است.



سرمایه‌گذاری‌های چین در سیاه‌چاله؛ آیا پکن گره به باده می‌زند؟

علی سجاد مولایی

چین با پاکستان در یک محور قرار می‌گیرد و هند با ایالات متحده.

سرمایه‌گذاری چین در پاکستان

چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری پاکستان، در سال ۲۰۱۴ میلادی چندین توافق‌نامه مهم به‌ویژه در زمینه‌های عمرانی با پاکستان امضا کرده که قرارداد احداث میدان هوایی در بندر گوادر در جنوب غرب پاکستان، قرارداد ساخت چند نیروگاه برق، احداث چند بزرگراه مهم و ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک در زمینه فناوری، تولید انرژی برق آبی تنها برخی از قراردادهای عقد شده میان اسلام آباد و پکن است. علاوه بر روابط تجاری، دو کشور همکاری قابل توجهی را در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک آغاز کرده‌اند. این همکاری عمدتاً از سوی چینی‌ها در پاکستان در حال انجام است که مصداق بارز آن توسعه و تجهیز بندر گوادر، احداث شاهراه ساحلی مکران، احداث شاهراه قره‌قروم و کمک به سیستم ریلی پاکستان است. همچنین، دولت چین با سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری در ایجاد و تجهیز سیستم راه‌آهن پاکستان، تأمین لوکوموتیو مورد نیاز راه‌آهن این کشور و اتصال راه‌آهن پاکستان به چین موافقت کرده است. یکی دیگر از طرح‌های مهم اقتصادی بین چین و پاکستان که در سال‌های اخیر در دستور کار دو کشور قرار گرفته، بحث احداث جاده ابریشم چین است که بخشی از آن تحت عنوان دهلیز اقتصادی چین و پاکستان شناخته می‌شود که برای هر دو طرف بسیار سودمند به نظر می‌رسد. احداث این کریدور از مبدأ آن در بندر گوادر در جنوب غرب پاکستان تا مقصد آن در شهر کاشغر واقع در ایالت سینگیانگ در غرب چین، شامل سه بخش مهم و موازی خطوط حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، خط لوله‌های انتقال انرژی و عملیات احداث خطوط جاده‌ای است.

از طرفی، مهم‌ترین مسیر یا همان جاده اصلی پروژه مگا از پاکستان می‌گذرد. مسیر (CPEC) یا همان دهلیز اقتصادی چین و پاکستان مهم‌ترین مسیر این پروژه است که چین را به غرب آسیا از مسیر ایران و بعد

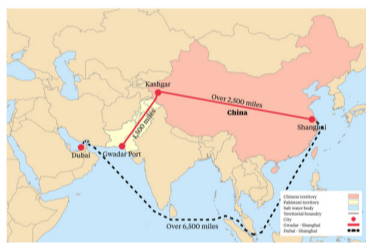
در سپتامبر سال ۲۰۱۳، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، پرده از بزرگ‌ترین طرح اقتصادی تاریخ برداشت. مگا پروژه، موسوم به یک کمربندیک جاده، کمربند مهم و بزرگ‌ترین پروژه اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی چین در شرایط کنونی است. چین با این طرح، اهداف بزرگی را در زمینه رشد اقتصادی، امنیت انرژی، گسترش حوزه نفوذ و تأثیرگذاری در مناطق مختلف، دسترسی به بازارهای جهانی و نیز ایجاد راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل مقرون به صرفه‌تر دنبال می‌کند. این ایده به دنبال تسهیل و تأمین انتقال انرژی، کالا و نزدیک کردن نقاط مختلف دنیا به سوی کشور چین است. این پروژه ۶۴ درصد کل کشورها را در بر می‌گیرد و به دو بخش راه ابریشم زمینی و راه ابریشم آبی تقسیم می‌شود. در اصل ایده این پروژه بلندپروازانه از راه ابریشم سنتی می‌آید که برای سالیان متمادی مسیر انتقال کاروان‌های تجاری از شرق دور به اروپا بوده است. در حقیقت این طرح و این پروژه خیز بلند چین برای قدرت هژمونی شدن جهانی است و همچنان به چالش کشیدن رقیب اصلی یعنی ایالات متحده.

در میان تمام کشورهای حاضر در این پروژه، پاکستان یکی از کلیدی‌ترین و مهم‌ترین کشورها است. پاکستان به چندین دلیل برای چین اهمیت دارد. اول این که پاکستان به لحاظ جغرافیایی یک موقعیت استراتژیک را در جنوب آسیا در اختیار دارد و مسیر یا دروازه ورود به آسیای مرکزی است. پاکستان به لحاظ جغرافیایی با چهار کشور مرز مشترک دارد: افغانستان در شمال، چین در شمال شرق، هند در جنوب و ایران در غرب. این موقعیت ناب استراتژیک همراه با دو بندر مهم گوادر و کراچی به اهمیت این کشور می‌افزاید. مزیت دیگری که این کشور برای چین دارد، رقابت و تنش ذاتی پاکستان با هند است. چون هند تنها رقیب چین در آسیا است که ادعای قدرت و نفوذ دارد. به عبارت دیگر، پاکستان و چین محورهای مشترک فراوان دارند و تنش با هند یکی از اصلی‌ترین آن‌ها است. به صورت کلی، در بازی جهانی قدرت،

چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری پاکستان، در سال ۲۰۱۴ میلادی چندین توافق‌نامه مهم به‌ویژه در زمینه‌های عمرانی با پاکستان امضا کرده که قرارداد احداث میدان هوایی در بندر گوادر در جنوب غرب پاکستان، قرارداد ساخت چند نیروگاه برق، احداث چند بزرگراه مهم و ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک در زمینه فناوری، تولید انرژی برق آبی تنها برخی از قراردادهای عقد شده میان اسلام آباد و پکن است.

از آن به ترکیه و شرق اروپا وصل می‌کند. همچنان دو بندر مهم تجاری (گوادر و کراچی) را نیز در اختیار این پروژه قرار می‌دهد و سهولت بیشتر را برای چین در امر رسیدن به کشورهای خاورمیانه و آفریقا ایجاد می‌کند. از این دهلیز اقتصادی یا کریدور اقتصادی به عنوان «تغییر دهنده بازی» ژئوپلیتیکی در آسیا یاد می‌کنند. این پروژه در سال ۲۰۱۵ معرفی شد و قرار است تا سال ۲۰۳۰ تکمیل شود. ارزش مجموعی این پروژه بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار است که بزرگ‌ترین قرارداد اقتصادی میان چین و پاکستان است.

Strategic cargo route from Gwadar Port to western China



The strategic overland route from Gwadar to Kashgar to Shanghai, of roughly 4,000 miles, is considerably shorter than the roughly 6,000 miles between Dubai and Shanghai. China is a net oil importer and takes most of its supply from the Middle East.

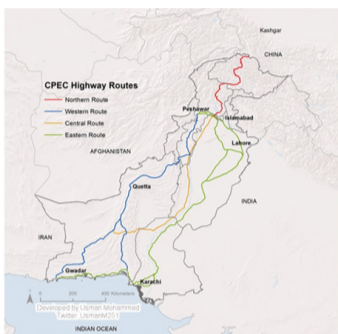
منبع: The China Project

این نقشه به خوبی اهمیت این پروژه را می‌رساند. اقلام تجاری‌ای که در غرب چین تولید می‌شود، به راحتی از این مسیر به بازارهای جهانی می‌رسد تا مسیر بندر شانگهای. این مسیر هم هزینه را کم می‌کند و هم در وقت صرفه‌جویی می‌کند.

اکثر سیاست‌گذاران پاکستانی کریدور اقتصادی چین و پاکستان را یک کمک چشمگیر به اقتصاد پاکستان می‌دانند. برای چین، این پروژه مشکل اتصال متقابل با منطقه خلیج فارس، آفریقا، اروپا و آسیای مرکزی را کاهش خواهد داد. علاوه بر این، کریدور اقتصادی چین و پاکستان به عنوان فرصتی برای شکل‌گیری نظم اقتصادی-سیاسی در آسیای مرکزی با ارتقای شبکه‌های تجاری، همکاری‌های سیاسی و تبادل فرهنگی ترسیم شده است. ابعاد بزرگ کریدور اقتصادی چین پاکستان موجب

شده است که این ابرپروژه زیرساختی، قدمی برای تحولات بنیادین اقتصادی کشور پاکستان، به ویژه در حوزه‌های حمل‌ونقل، ترانزیت و ساختمان محسوب شود. این پروژه علاوه بر ایجاد ارزش افزوده و رشد اقتصادی در داخل کشور پاکستان، می‌تواند نقشی اساسی در تقویت جایگاه منطقه‌ای پاکستان نیز داشته باشد.

چهار مسیر اصلی دهلیز اقتصادی چین و پاکستان منبع: عثمان محمد



چهار مسیر اصلی دهلیز اقتصادی چین و پاکستان منبع: عثمان محمد

تهدیدات امنیتی و نگرانی چین

در دو سال اخیر امنیت پاکستان به شدت دگرگون شده است و تعداد حملات تروریستی به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. افزایش حملات در دو ایالت خیبر پختونخوا و بلوچستان زنگ خطری بود برای ابرپروژه یک کمربندیک راه. تحلیلگران پاکستانی معتقدند که حمله در منطقه ژوب ربط مستقیم به پروژه یاد شده داشته است. این دو از مسیرهای اصلی این دهلیز است که کاشغر را به آب‌های آزاد وصل می‌کند. در دو سال اخیر چندین حمله بر چینی‌ها در پاکستان نیز صورت گرفته است که مهم‌ترین آن حمله به استادان چینی در شهر کراچی بود. افزایش حملات به شدت نگرانی چین را برانگیخته است و آن‌ها احساس می‌کنند که سرمایه‌گذاری هنگفت آن‌ها در حال از بین رفتن است. برای همین چین و پاکستان تلاش فراوان دارند که طالبان را در افغانستان قانع کنند تا دست از حمایت از گروه‌های شورشی در نوار مرزی بکشند. در کنار تهدیدی که تحریک طالبان پاکستان برای این ابرپروژه به وجود آورده، جدایی‌طلبان بلوچ نیز تهدید دیگری برای این ابرپروژه هستند. این نیروها به دلیل مخالفت سیاسی‌ای که دولت پاکستان و چین دارند، این پروژه را بایکات کرده‌اند و تلاش می‌کنند مسیر این پروژه را ناامن کنند. قابل یادآوری است که گزارش‌هایی موجود است که نیروهای جدایی‌طلب با هند همسوس هستند. با قبول کردن این فرض، می‌توان درک روشن از قضیه به دست آورد.

به هر صورت، چینی‌ها شدیداً نگران این پروژه بزرگ هستند و به این نگرانی هر روز افزوده می‌شود.

طالبان در آستانه

شجاع‌الدین امینی



ادامه در صفحه ۷

لیست گروه‌های تروریستی حذف می‌کند. ظاهراً دلیلی که ایشان ارایه داشت این بود، وقتی که قدرت‌های بزرگی چون آمریکا و بریتانیا گروه طالبان را تروریست نمی‌دانند و با آن وارد تعامل می‌شوند، آستانه نباید بر طبل خصومت با این گروه بکوبد: «از آنجایی که گروه طالبان از طرف دولت‌های آمریکا و انگلیس به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته نشده است و آن‌ها در سطوح مختلف با گروه طالبان تماس دارند و مذاکرات با اعضای این گروه در دوحه انجام می‌شود، بنابراین ما از نظر حقوقی نیز هیچ هنجار بین‌المللی را زیر پا نمی‌گذاریم.»

که این کشور آماده است تا دیپلمات‌های طالبان را در سفارت افغانستان در آستانه بپذیرد، ولی تأکید کرد که این امر لزوماً به‌معنای رسمیت‌بخشیدن به امارت طالبان نیست.

قزاقستان در اکتوبر ۲۰۰۶ طالبان را در کنار القاعده و جنبش اسلامی اوزبیکستان در لیست گروه‌های تروریستی قرار داده بود. از این رو، برخلاف اوزبیکستان و ترکمنستان، رابطه آستانه با طالبان در گذشته گرم نبوده است. در پایان جولای سال جاری، قنات تومیش، معاون وزیر خارجه قزاقستان، در یک نشست خبری اعلام کرد که این کشور طالبان را از

قزاقستان پس از اوزبیکستان و ترکمنستان سومین جمهوری آسیای مرکزی است که با طالبان رابطه نسبتاً خوب دارد. این در حالی است که آستانه برخلاف دو کشور نام‌برده، با افغانستان مرز مشترک ندارد. لذا این کشور از تحولات سیاسی در افغانستان و تهدیدهای احتمالی مرزی از ناحیه حضور گروه‌های تروریستی کم‌تر متاثر است. سفارت قزاقستان در کابل باز است و هیات‌های دیپلماتیک این کشور با طالبان به‌گونه معمول دیدار می‌کنند. در سفری که سریک ژومانگارین، معاون نخست‌وزیر قزاقستان، در نیمه اپریل سال جاری به کابل داشت، در دیدار با ملا عبدالغنی برادر، هم‌تای طالب خود، اعلام کرد

طالبان در...

بیشتر در زمینه تجارت و اقتصاد خلاصه می‌شود. چین یکی از پنج کشوری است که بیشترین سرمایه‌گذاری را در آستانه انجام داده است. دو کشور در مارچ سال گذشته اعلام کردند که حجم تجارت را به ۳۵ میلیارد دلار تا هفت سال بعدی ارتقا دهند. گفته می‌شود که اظهارات مقام قزاقستانی درباره پذیرش دیپلمات‌های طالبان ناشی از لابی‌گری چین بوده است. چین در تعدیل رویکرد آستانه نسبت به طالبان نقش داشته است.

تجارت نیز محرک‌های است که آستانه را به داشتن رابطه با طالبان ناگزیر می‌سازد. این کشور از حیث اقتصادی و داشتن ذخایر نفت و گاز در آسیای میانه در وضعیت بهتری قرار دارد. بازار تجارت میان این کشور و افغانستان در گذشته و حال گرم بوده است. افغانستان یکی از کشورهای است که بیشترین مقدار آرد و گندم را از قزاقستان وارد می‌کند. گفته می‌شود که بیش از ۷۰ درصد آرد این کشور به افغانستان صادر می‌شود. حجم تجارت میان قزاقستان و افغانستان زیر اداره طالبان در سال ۲۰۲۲ یک میلیارد دلار بوده است که به قول مقام‌های قزاقستانی نسبت به سال‌های قبل افزایش دو برابری را نشان می‌دهد. در این خصوص توجه به یک نکته مهم است و آن این که افزایش حجم تجارت میان دو کشور لزوماً به این معنا نیست که طالبان از جنگ گریزان شده و به تجارت و اقتصاد روی آورده باشند، یا کارشناسان خوبی در زمینه داشته باشند. اگر حجم تجارت با قزاقستان افزایش یافته، حتماً با کشور دیگر کاهش یافته است. همچنان از این حجم تجارت بیشترین سود را آستانه نصیب می‌شود نه طالبان. توجه به این نکته ضرور است، ورنه ذهن خواننده ممکن است به سمت دیگری معطوف شود.

قزاقستان پل ارتباطی تجارت میان افغانستان و چین است. در غیبت قزاقستان، کالا از چین به افغانستان و برعکس آن صادر نمی‌شود. اگرچه مقام‌های بیجینگ در سپتامبر ۲۰۲۲ اعلام کردند که مسیر ترانزیتی جدیدی از خاک قرغیزستان برای انتقال کالای تجاری به افغانستان باز کرده‌اند، ولی بازم نمی‌شود که نقش مسیر زمینی از خاک قزاقستان را نادیده گرفت. بار نخست در سپتامبر ۲۰۱۹ اولین محموله کالای افغانی از طریق بندر حیرتان با حضور داشت مقام‌های دولت افغانستان، چین، اوزبیکستان و قزاقستان راهی چین شد. آستانه به‌تازگی برای دو روز (۳-۵ اگست سال روان) از ۱۵۰ تاجر و کارآفرین افغان میزبانی می‌کند. البته برخی مقام‌های طالبان از جمله نورالدین عزیز، سرپرست وزارت تجارت این گروه، نیز در این جمع حضور دارند. مقام‌های قزاقستان گفته‌اند، از کسانی که در لیست تحریم این کشور قرار دارند، دعوت نشده است. هدف این نشست، تلاش برای توسعه بازرگانی میان دو طرف و تقویت هرچه بیش‌تر سکتور خصوصی خوانده شده است.

نکته مهم این است که اظهارات مقام قزاقستانی پس از آن صورت می‌گیرد که در ۲۶ جولای سال روان، نشست ۱+۵ در آستانه، پایتخت این کشور، برگزار شده بود. در این نشست، توماس ویست، نماینده ویژه ایالات متحده آمریکا برای افغانستان، و رینا امیری، نماینده ویژه آمریکا برای زنان افغانستان، اشتراک داشتند. پیشامد گرم هیات ایالات متحده از طالبان در نشست دوحه و پیوستگی این نشست با نشست ۱+۵ نشان می‌دهد که ممکن است هیات امریکایی در زمینه بیرون کردن نام طالبان از لیست گروه‌های تروریستی با مقام‌های قزاقستانی صحبت کرده باشد؛ چون نشست ۱+۵ نیز به موضوع افغانستان و چه‌گونه‌گی تعامل با طالبان و حمایت بشردوستانه از مردم اختصاص داشت. ۱+۵ یک مجمع منطقه‌ای متشکل از جمهوری‌های آسیای میانه است که در سال ۲۰۱۵ در زمینه گسترش رابطه سیاسی، تجاری و اقتصادی این کشورها با ایالات متحده آمریکا ایجاد شده است.

قزاقستان در گذشته به‌جای تامین رابطه با طالبان، در تلاش گسترش رابطه در زمینه‌های گوناگون با دولت پیشین بود. آستانه در گذشته میزبان نشست بین‌المللی درباره صلح افغانستان نبوده و همچنان از گروه طالبان میزبانی نکرده است؛ کاری که اوزبیکستان و ترکمنستان به کرات انجام داده‌اند. با فروپاشی دولت پیشین و روی کار آمدن مجدد طالبان، قزاقستان ناگزیر به تامین رابطه با طالبان شد. یکی از عوامل موثر در زمینه، رابطه گرم عشق‌آباد و تاشکند با طالبان است. آستانه برای آن که از قافله عقب نمانده باشد، می‌کوشد رابطه نیم‌بندی با طالبان داشته باشد. این کشور با دو کشور نام‌برده به‌ویژه اوزبیکستان رقابت دارد و این امر آستانه را به آمادورفت در کابل و میزبانی از طالبان ترغیب می‌کند. عامل دوم، نفوذ موثر روسیه و چین بر قزاقستان است. رابطه آستانه با مسکو و بیجینگ عمیقاً دوستانه است و در بسی جاها در موضوعات بین‌المللی تلاش می‌کند بر وفق مراد این دو کشور گام به پیش بگذارد. از آنجایی که روسیه و چین با طالبان تعامل گرم دارند، آستانه نیز به ناچار از سیاست این دو کشور در قبال طالبان تبعیت می‌کند. قزاقستان متحد اصلی روسیه است و به این کشور وابسته‌گی امنیتی دارد. مثال روشن آن، عضویت دایمی این کشور در پیمان امنیت دسته‌جمعی به رهبری روسیه می‌باشد. رابطه قزاقستان با چین



شبکه‌ها و ایتلاف سازمان‌های حامی زنان، حکومت امریکا را به معامله‌گری در امور افغانستان متهم کردند

افزایش یافت و شمار زیادی از دختران به دلیل نداشتن امید به زنده‌گی خودکشی کردند.

به باور آنان، امریکا با چشم‌پوشی بر همه‌ای این موارد در افغانستان به ادامه توافقنامه ناکام دوحه یک بار دیگر می‌خواهد بدون تعامل با زنان، جامعه مدنی و سایر گروه‌های سیاسی و پاسخوایی به مردم افغانستان در مورد زمینه‌های اعتماد سازی میان واشنگتن و طالبان گفت‌وگو کند.

این شبکه‌ها و ایتلاف سازمان‌های حامی حقوق زنان در نامه‌ای‌شان به گزارش‌های متعدد سازمان‌های معتبر جهانی اشاره کرده‌اند که بر بنیاد آن طالبان در افغانستان مرتکب جنایات جنگی، آپارتاید جنسیتی و نقض حقوق بشر شده‌اند.

در پای این نامه دست کم ۵۲ شبکه و سازمان امضا و هفت سوال در مورد نشست نماینده‌گان امریکا و طالبان در دوحه مطرح کرده‌اند که «پاسخ طالبان به خواست‌های امریکا در مورد رعایت حقوق بشر چه بود؟» یکی از آنان است.

این نامه در حالی به وزیر خارجه امریکا فرستاده می‌شود که گفت‌وگوهای هیأت طالبان و توماس وست و رینا امیری، نماینده‌گان امریکا در امور افغانستان یک روز پیش در دوحه پایان یافت.

در آن گفت‌وگوها، آزادسازی زندانیان امریکا از بند طالبان، رعایت حقوق بشر از جمله آموزش و تحصیل زنان، تشکیل دولت فراگیر و آزادسازی ذخایر ارزی افغانستان از محورهای اصلی بود.

با این حال، نشست اخیر دوحه و اظهارات رینا امیری، نماینده امریکا در امور زنان افغانستان که بر ضرورت تعامل با طالبان سخن گفته بود، با واکنش‌های زیادی همراه شد. طوری که شماری از معترضان زن در افغانستان با نشر بیانیه‌ها خواستار معذرت‌خواهی وی شدند.

و مایک مک‌کال، رییس کمیته روابط خارجی مجلس سنای امریکا خواستار توقف دیدارهای نماینده‌گان امریکا با طالبان شد و گفت، از زمانی که رینا امیری، نماینده این کشور تعیین شده، طالبان فرمان‌های بیشتری برای سرکوب زنان افغانستان صادر کرده‌اند.



اصح، کابل: شماری از شبکه‌ها و ایتلاف سازمان‌های حامی حقوق زنان با ارسال نامه‌ای به آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، از دیدار نماینده‌گان این کشور با هیأت طالبان در دوحه به شدت ابراز نگرانی کرده‌اند. در نامه سرگشاده این شبکه‌ها و ایتلاف سازمان‌های حامی حقوق زنان که روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، به وزیر امور خارجه امریکا ارسال شده، آمده است که امریکا با گفت‌وگو با طالبان در دوحه عملاً از آنچه بر مردم افغانستان از سوی طالبان می‌گذرد چشم‌پوشی کرده که خیلی متأثر کننده است.

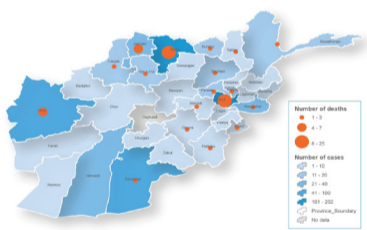
این شبکه‌ها گفته‌اند: «زنان و جوانان افغانستان به کسی اجازه نمی‌دهند که خلاف میل، آرمان‌ها و اراده مردم افغانستان اجندای سیاسی‌شان را بر آنان تحمیل کنند، ما همواره صدای خود را بلند خواهیم کرد و هر آن کس که در امور افغانستان دست به معامله می‌زند را مورد بازپرس قرار خواهیم داد.»

در نامه آمده است: «ما باور داریم که برای راه حل سیاسی پایدار افغانستان ایالات متحده امریکا و سایر بازیگران باید در برابر مردم افغانستان شفاف و پاسخگو باشند و از خواست‌های ما به حیث وسیله و ابزار تحریف استفاده نکنند.»

به گفته آنان، طالبان که در توافقنامه دوحه به رعایت حقوق زنان و تشکیل حکومت فراگیر تعهد سپرده بودند نه تنها به آن عمل نکرده‌اند، بلکه زنان و دختران را از آموزش، تحصیل و کار منع کردند.

در نامه تصریح شده که در پی تسلط طالبان نان‌آوران خانه‌ها بیکار شدند، ازدواج‌های اجباری و زیر سن

۱۰ مورد جدید و دومی‌نگاشی از بیماری کانگو طی یک هفته در افغانستان ثبت شد



اصح، کابل: سازمان صحتی جهان گزارش تازه‌اش در مورد وضعیت صحتی افغانستان را منتشر کرد.

گزارش این سازمان که حاوی افزایش شیوع تب خونریزی دهنده کانگو (CCHF) در کشور است، روز پنج‌شنبه، ۱۲ اسد، نشر شد.

در این گزارش آمده که در هفته سی‌ام (۲۳ تا ۲۹ جولای) سال ۲۰۲۳، ۱۰ مورد جدید کانگو به ثبت رسید که از میان دو بیمار جان باخته‌اند. با این رقم، شمار موارد مثبت تب کانگو در کشور از شروع سال جاری تا کنون به ۷۱۵ مورد و مرگ‌ومیر ناشی از آن به ۷۸ تن می‌رسد.

هرچند نمودار ارایه شده از سوی سازمان صحتی جهان سیر نزولی این بیماری را نشان می‌دهد، اما با آن هم این گزارش هشدار می‌دهد که باید جدی گرفته شود، زیرا تغییراتی در شمار مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری نسبت به هفته گذشته رونما نشده است.

هفته گذشته (۱۶ تا ۲۲ جولای) شمار موارد مثبت این بیماری به ۳۴ تن و تعداد مرگ‌ومیر نیز به دو تن

خبرنگار ارشد:

وپراستاران:

صفحه آرایی:

پذیرش مقالات:

پذیرش اعلان:

ویراستاران:

صفحه آرایی:

پذیرش مقالات:

پذیرش اعلان:

نشانی پستی:

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

امین کاوه

محمدعلی نظری، مقیم مهران

رضا مرادی

Info@8am.media

Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۸۸۸۷۹۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



Sanjar.sohail@8am.media

سنجر سهیل

محمد محق

حسیب بهش

یونس نگاه، علی سجاد مولایی

فهمین امین

محمد نوید جويا

صاحب امتیاز:

مدیرمسول:

سردبیر:

تحلیل‌گران:

دبیر گزارش‌ها:

دبیر تولید:

Publisher:

Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:

Mohammad Moheq

Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media_official

www.8am.media

دادگاهی در روسیه شرکت اپل را به دلیل عدم حذف مطالبی که به عنوان «اطلاعات نادرست» در مورد اقدامات نظامی این کشور در اوکراین شناخته می‌شود، مبلغ ۴ هزار و ۲۲۲ دالر آمریکایی جریمه کرد. برنیاد گزارش تاس روسیه، این دادگاه روز پنج‌شنبه، ۳ اگست، ویکی‌پدیا را نیز به اتهام مشابه مبلغ ۳۱ هزار و ۷۴۰ دالر آمریکایی جریمه کرد. این نخستین بار است که شرکت اپل به اتهام نشر اطلاعات نادرست جریمه می‌شود، در حالی که ویکی‌پدیا بارها از سوی روسیه جریمه شده است. روسیه در ماه اپریل ویکی‌پدیا را برای هفتمین بار به اتهام عدم حذف «محتوای ممنوعه» مربوط به ارتش روسیه، جریمه کرده بود.

ترمپ در دادگاه فدرال اعلام بی‌گناهی کرد



دونالد ترمپ، رییس جمهور پیشین ایالات متحده، برای

مقابل شدن با اتهامات مبنی بر تلاش برای تغییر دادن نتایج انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا، به دادگاه فدرال در شهر واشنگتن حاضر شد. برنیاد گزارش رویترز، ترمپ پس چاشت روز پنج‌شنبه، ۳ اگست، مقابل قاضی دادگاه ادعای بی‌گناهی کرد و گفت که او هیچ «اشتباهی» را مرتکب نشده است. قاضی دادگاه پس از خوانش اتهامات به دونالد ترمپ افزود که اگر او مجرم شناخته شود، در تمامی این چهار فقره، توطیه برای فریب دادن ایالات متحده، توطیه برای مانع شدن یک روند رسمی و توطیه در مقابل حقوق، تا ۵۵ سال زندان محکوم خواهد شد. برنیاد فیصله محکمه نشست استماعیه بعدی دادگاه در

عملیات مرگبار پولیس برازیل علیه قاچاقبران مواد مخدر؛ ۴۴ تن کشته شدند



مقامها در برازیل می‌گویند که در پی عملیات پولیس این کشور علیه قاچاقبران مواد مخدر و گروه‌های مسلح، دست‌کم ۴۴ تن کشته شده‌اند. فرانس پرس به نقل از پولیس ریودی جنیرو گزارش داده که تنها روز چهارشنبه، ۲ اگست، نه تن به‌شمول دو رهبر این گروه در جریان یک عملیات در این شهر کشته شده‌اند. به گفته پولیس برازیل، ۱۶ قاچاقبر مواد مخدر در ایالت ساوپالو و ۱۹ تن هم در ایالت باهیا این کشور جان باخته‌اند.

در بیانیه پولیس آمده است: «درگیری زمانی رخ داد که تیم‌های پولیس در محل مورد حمله افراد مسلح قرار گرفتند». این عملیات پس اطلاعات استخباراتی در مورد حضور رهبران این گروه در یک نشست میان‌گروهی راه‌اندازی شده است. در جریان این عملیات دو تن از افراد این گروه و دو افسر پولیس نیز زخم برداشته‌اند. عملیات ضد گروه‌های جنایت‌کار جمعه گذشته پس از آن آغاز شد که یک افسر نیروهای ویژه برازیل در جریان گشت‌زنی به ضرب گلوله کشته شد.

با این همه، برخی از منتقدان حکومت برازیل این عملیات را قتل عام خوانده و خواهان راه‌اندازی حرکات اعتراضی شده‌اند. دانی مونتیرو، قانونگذار ایالت ریو و از منتقدان، این عملیات را دومین عملیات مرگبار پولیس در تاریخ این شهر عنوان کرده است. این در حالی است که سال گذشته حدود شش هزار و ۴۲۹ تن از سوی پولیس برازیل کشته شدند.

سفیر چین در روسیه: ناتو عامل اصلی بحران اوکراین است

ژانگ هانیهویی، سفیر چین در روسیه، ناتو را عامل اصلی وخامت بحران اوکراین و دامن زدن به تنش‌ها در کوزوو، لیبیا و افغانستان عنوان کرد. ژانگ این اظهارات را روز پنج‌شنبه، ۲ اگست، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تاس روسیه مطرح کرده است.

او تصریح کرده است: «ناتو بیش از ۳۰ سال است که به تنش در همه جا و متزلزل کردن ثبات و به جریان‌های جدایی‌طلب در کشورهایی مانند کوزوو، لیبیا و افغانستان دامن می‌زند». سفیر چین در روسیه اضافه کرد: «ناتو پنج بار به سمت شرق گسترش یافت و امنیت نظم اروپا پس از جنگ سرد را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده و عامل اصلی وخامت بحران اوکراین است». این اظهارات در حالی مطرح شده است که بر اساس گزارش اطلاعاتی آمریکا، چین به روسیه کمک می‌کند تا تحریم‌های غرب را دور بزند. در این گزارش ادعا شده است که چین احتمال دارد، به مسکو فناوری نظامی و دوگانه برای استفاده در اوکراین ارائه دهد.

داعش خبر کشته‌شدن رهبر این گروه را تایید و جانشین او را معرفی کرد



گذشته در عملیات نیروهای آمریکایی در ادلب کشته شد. ابوبکر البغدادی، نخستین رهبر داعش نیز در اکتوبر سال ۲۰۱۹ در عملیات نیروهای آمریکایی در شهر ادلب سوریه کشته شده بود.

است که از زمان ظهور خلافت خود خوانده این گروه در سال ۲۰۱۴ به این سو کشته می‌شود. پیش از این، رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه، در ۳۰ اپریل سال جاری گفته بود که نیروهای ترکی ابوالحسین القریشی را در جریان یک عملیات در سوریه کشته‌اند. در نوامبر سال گذشته، داعش کشته شدن ابو حسن الهاشمی القریشی، رهبر پیشین آن گروه را تایید کرد و از گزینش ابوالحسین الحسینی قریشی به جای وی خبر داده بود. پیش از ابوالحسن الهاشمی القریشی، ابو ابراهیم القریشی رهبری داعش را به عهده داشت که در فیبروری سال

گروه داعش مرگ ابوالحسین الحسینی القریشی، رهبر این گروه را تایید کرد و می‌گوید که القریشی در درگیری‌ها در شمال غرب سوریه کشته شده است. ابوحنیفه انصاری، یکی از سخنگویان داعش، روز پنج‌شنبه، ۳ اگست، در کانال تلگرامی این گروه گفته است که ابوالحسین در درگیری با گروه جهادی «حیات تحریر الشام» در شهر ادلب سوریه کشته شده است. با این حال، سخنگوی داعش زمان کشته‌شدن رهبرشان را مشخص نکرده است. به گفته او، ابو حفص الهاشمی القریشی، به‌عنوان رهبر جدید این گروه گماشته شده است. ابوالحسین الحسینی القریشی، چهارمین رهبر گروه داعش

احتمال استقرار نیروهای مسلح آمریکا در کشتی‌های تجاری تنگه هرمز



پیاده‌کن «یواس اس کارتر هال» است، در مسیر خود به سمت خلیج فارس هستند. این تفنگ‌داران دریایی و ملوانان می‌توانند ستون فقرات هر مأموریت مسلحانه حفاظتی در تنگه هرمز را فراهم کنند؛ آبراهی که ۲۰ درصد از نفت خام جهان را از خود عبور می‌دهد. مقام‌های آمریکایی گفته‌اند که این تفنگ‌داران و ملوانان نیروی دریایی تنها در صورت درخواست کشتی‌های درگیر، امنیت آن‌ها را تامین خواهد کرد. پیش از این، ایالات متحده هواپیماهای جنگی ای-۱۰ تاندربولت، جنگنده‌های اف-۱۶ و اف-۳۵ و همچنین ناوشکن «یواس اس توماس هادنز» را برای مقابله با اقدامات دریایی ایران به منطقه اعزام کرده است. این برنامه در حالی در مسیر بررسی قرار دارد که آمریکا حتی در طول «جنگ نفتکش‌ها» که با نبرد دریایی یک روزه نیروی دریایی ایالات متحده و ایران در سال ۱۹۸۸ به اوج خود رسید، چنین اقدامی را انجام نداده بود. این رویارویی به نوبه خود در آن زمان بزرگ‌ترین عملیات نیروی دریایی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی بود.

مقام‌های آمریکایی می‌گویند که ارتش ایالات متحده در حال بررسی استقرار نیروهای مسلح این کشور در کشتی‌های تجاری که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، قرار دارد. خبرگزاری اسوشیتد پرس، روز پنج‌شنبه، ۳ اگست، به نقل از چهار مقام آمریکایی گزارش داده است که این اقدام به هدف جلوگیری از مزاحمت‌های ایران برای کشتی‌های غیرنظامی و توقیف آن‌ها صورت خواهد گرفت. به گفته این چهار مقام آمریکایی، ایالات متحده هنوز تصمیم نهایی در این مورد را اتخاذ نکرده است و گفت‌وگوها میان مقام‌های نظامی و متحدان عرب آن کشور در منطقه خلیج فارس ادامه دارد. نماینده‌گان ایران در سازمان ملل متحد به درخواست اسوشیتد پرس برای اظهار نظر درباره این خبر پاسخ نداده‌اند. در حالی که منابع آگاه جزئیات کمی از این طرح به این رسانه ارائه کردند، اما همزمان هزاران تفنگ‌دار دریایی و ملوان در دو شناور که یکی کشتی تهاجمی آبی‌خاکی «یواس اس باتان» و دیگری کشتی نیرو



بلینکن: روسیه جرقه‌ای را برای حمله به سیستم جهانی غذا ایجاد کرده است

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا گفته که حمله روسیه به اوکراین در سال گذشته جرقه‌ای را برای حمله به سیستم جهانی غذا ایجاد کرده است. بلینکن روز پنج‌شنبه، ۳ اگست، در نشست شورای امنیت سازمان ملل، روسیه را به «باج‌گیری» در مورد توافق غلات دریای سیاه که از آن خارج شده، متهم کرده است. وی افزوده است: «هر عضو این شورا، هر عضو سازمان ملل باید به مسکو بگوید دیگر کافی است. کافی است. استفاده کردن از توافق غلات دریای سیاه برای باج خواهی کافی است. با آسیب‌پذیرترین افراد روی کره زمین گروکشی کردن کافی است. این جنگ ناموجه و غیرقابل قبول علیه اوکراین کافی است». گفتنی است که آمریکا ریاست ماهانه شورای امنیت سازمان ملل را روز سه‌شنبه به عهده گرفت و مبارزه با ناامنی غذایی را که به‌ویژه با درگیری‌ها مرتبط است، در اولویت قرار داد. در همین حال، روز گذشته روسیه چندین حمله پهپادی را بالای ذخیره‌گاه‌های غلات اوکراین و بندر اودسا انجام داد.